



The Second Qarabagh War: Causes, Situations, and Consequences

Reza Mahmoud Oghli¹ | Morteza Ebrahimi² | Hossein Fatahi Ardakani³

Abstract

The purpose of this research is to investigate the causes, contexts and consequences of the second Karabakh war and the role of regional actors such as Russia and Turkey in it. The Nagorno-Karabakh conflict has been one of the ongoing conflicts in the space after the collapse of the former Soviet Union, which has affected the South Caucasus during three decades of political and security relations. In the fall of 2020, a six-week war changed the dynamics of the three-decade conflict between Azerbaijan and Armenia over the disputed region of Karabakh, and a full-scale war between the two actors over the Karabakh crisis took place. This research tries to investigate the political and military situation of the Second Karabakh War and the role of regional actors such as Russia and Turkey in this war and investigate the political and security consequences of this war. It seems that the second Nagorno-Qarabagh war was influenced by the change in the balance of power between Armenia and Azerbaijan and the change in the political approach of regional actors (Russia and Turkey) towards the Nagorno-Qarabagh crisis. The research method in this article is case, historical-contextual, and the data collection method is document study.

Keywords: War, Qarabagh, Azerbaijan, Armenia.

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Political Science, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. R_oghli@yahoo.com

2. Associate Professor of Political Science Department of Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Ardakan University, Yazd, Iran

جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰): علل، زمینه‌ها و پیامدها

رضا محموداوغلی ۱ | مرتضی ابراهیمی ۲ | حسین فتاحی اردکانی ۳

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی علل، زمینه‌ها و پیامدهای جنگ دوم قره‌باغ و نقش بازیگران منطقه‌ای از جمله روسیه و ترکیه در آن است. درگیری قره‌باغ یکی از اختلافات مداوم در فضاها پس از فروپاشی شوروی سابق بوده است که در طول سه دهه مناسبات سیاسی و امنیتی، ففقاژ جنوبی را تحت‌تأثیر قرار داده است. در پاییز سال ۲۰۲۰، یک جنگ شش هفته‌ای، دینامیک سه دهه جدال بین آذربایجان و ارمنستان را بر سر منطقه مورد مناقشه قره‌باغ تغییر داد و جنگی تمام‌عیار بین دو بازیگر بر سر بحران قره‌باغ شکل گرفت. این پژوهش سعی دارد به بررسی وضعیت سیاسی نظامی جنگ دوم قره‌باغ و نقش بازیگران منطقه‌ای از جمله روسیه و ترکیه در این جنگ بپردازد و پیامدهای سیاسی و امنیتی این جنگ را بررسی کند. به نظر می‌رسد جنگ دوم قره‌باغ تحت‌تأثیر تغییر توازن قدرت بین ارمنستان و آذربایجان و تغییر رویکرد سیاسی بازیگران منطقه‌ای (روسیه و ترکیه) نسبت به بحران قره‌باغ رخ داده است. روش تحقیق در این مقاله موردی، زمینه‌ای - تاریخی است و روش گردآوری داده‌ها، مطالعه اسنادی است.

کلیدواژه‌ها: جنگ؛ قره‌باغ؛ آذربایجان؛ ارمنستان.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۰/۰۶/۲۹

صص: ۱-۳-۶۹

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۲۶۵۴-۴۹۷۱



DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.2.3.2

R_oghli@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران

مقدمه

بحران قره‌باغ یکی از چالش‌های اصلی جهت ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی برای تقریباً سه دهه بوده است. جنگ اول قره‌باغ در اوایل دهه ۱۹۹۰ شروع و منجر به اشغال منطقه خودمختار ناگورنو - قره‌باغ توسط ارمنستان و هفت شهر مجاور آن در منطقه بزرگ تر قره‌باغ آذربایجان شد. اگرچه دولت‌ها با آتش‌بس شکننده در سال ۱۹۹۴ موافقت کردند؛ اما مذاکرات صلح از آن زمان تاکنون ناموفق بوده است. تلاش‌های مختلف رؤسای گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا، برای رسیدن به یک توافق توسط رهبران ارمنستان و آذربایجان رد شد. شکست تلاش‌های میانجی‌گریانه، مسلح شدن فزاینده طرف‌های درگیر و نقض مکرر آتش‌بس، خطر شروع عملیات جنگی را میان دو کشور افزایش داد، به طوری که از ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰، درگیری‌های جدیدی در منطقه جدایی طلب ناگورنو - قره‌باغ آغاز که به سرعت به جنگی تمام‌عیار تبدیل شد. این بحران به شدیدترین جنگی تبدیل شد که منطقه قفقاز جنوبی از زمان جنگ قومی در دهه ۱۹۹۰ شاهد آن بوده است. جنگ بین ارمنستان و آذربایجان شش هفته به طول انجامید و پس از سه آتش‌بس ناموفق بین طرفین، یک قرارداد صلح با وساطت روسیه که در تاریخ ۹ نوامبر به امضا رسید، به این جنگ پایان داد. قرارداد صلحی که آذربایجانی‌ها آن را پیروزی بزرگ و ارمنی‌ها آن را تحقیر ملی نامیدند. با توجه به این موارد، پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی وضعیت سیاسی - نظامی جنگ دوم قره‌باغ و نقش بازیگران منطقه‌ای از جمله روسیه و ترکیه در آن بپردازد. برای این منظور، سؤالی مطرح شد که جنگ دوم قره‌باغ تحت تأثیر چه عواملی شکل گرفت و بازیگران منطقه‌ای روسیه و ترکیه چه تأثیراتی بر این جنگ داشتند؟ سؤالات فرعی دیگری هم می‌توان طرح کرد؛ از جمله اینکه ریشه‌های اجتماعی - سیاسی جنگ دوم قره‌باغ چیست؟ بحران‌های داخلی کشورهای آذربایجان و ارمنستان چه تأثیراتی بر جنگ دوم قره‌باغ داشته‌اند؟ آرایش و صف‌بندی نیروهای نظامی چه تأثیری بر نتایج جنگ داشته است؟ توافق نوامبر ۲۰۲۰ چه تأثیراتی بر منافع بازیگران دخیل در جنگ داشته است؟ و این جنگ چه پیامدهای سیاسی و امنیتی در منطقه داشته است؟ با توجه به این موارد این فرضیه طرح می‌شود که جنگ دوم قره‌باغ، تحت تأثیر تغییر توازن قدرت بین ارمنستان و آذربایجان و تغییر رویکرد سیاسی بازیگران منطقه‌ای روسیه و ترکیه نسبت به بحران قره‌باغ رخ داده است. برای این منظور در ابتدا، مبانی نظری تحقیق آورده و در ادامه، به

بحث آرایش نیروها و نتایج جنگ دوم قره‌باغ پرداخته می‌شود. در بخش دوم، عوامل داخلی و منطقه‌ای تأثیرگذار بر جنگ دوم قره‌باغ واکاوی و در پایان، پیامدهای سیاسی و امنیتی این جنگ بررسی می‌شود.

چارچوب نظری

رهیافت رئالیستی از قدیمی‌ترین نگرش‌ها در عرصه تبیین مسائل بین‌المللی است. واقع‌گرایان که از سیاست جهان تصویر نسبتاً تیره‌ای ترسیم می‌کنند، نظام بین‌الملل را به صورت میدان مبارزه‌ای می‌بینند که در آن، کشورها بی‌رحمانه دنبال فرصتند تا بتوانند از یکدیگر امتیاز گرفته و در این میان، اعتماد نیز جایی بین آن‌ها ندارد. از نظر واقع‌گرایان، روابط بین‌الملل هرچند صحنه یک جنگ دائم نیست؛ اما رقابت امنیتی بی‌رحمانه همواره در آن وجود دارد (Tang, 2011: 180-181). واقع‌گرایان سه الگوی رفتاری را برای بازیگران در نظر می‌گیرند؛ اول اینکه در نظام بین‌الملل کشورها از یکدیگر هراسانند، به یکدیگر با سوءظن نگاه می‌کنند و به این دلیل توجه خاصی به نحوه توزیع قدرت در میان خود دارند بنابراین، کوشش زیادی می‌کنند تا قدرت نسبی خود را حتی الامکان نسبت به رقیبان بالقوه‌شان افزایش دهند (Mearsheimer, 2001). دوم، در نظام بین‌الملل تمام کشورها سعی در تضمین بقای خود دارند؛ چون کشورهای دیگر، تهدیداتی بالقوه هستند و هیچ قدرت بالاتری که به آن‌ها در مواقع بروز خطر کمک کند، وجود ندارد. کشورها نمی‌توانند برای امنیت خود به دیگران متکی باشند؛ لذا هدف هر کشور، بقای خویش است و بر این اساس است که کشورها به دنبال اتحاد با یکدیگر می‌روند. سوم، هدف کشورها در نظام بین‌الملل به حداکثر رساندن قدرت نسبی در مقایسه با سایر کشورها است و هرچه برتری نظامی یک کشور بر کشورهای دیگر بیشتر باشد، آن کشور امنیت بیشتری دارد. این منطق، انگیزه قدرت‌مندی است که کشورها بکوشند بر یکدیگر برتری پیدا کنند (روحی دهبنه و مرادی، ۱۳۹۴: ۲۸۲).

هر دو نوع واقع‌گرایی تهاجمی و تدافعی، موافقند که آناارشی بین‌المللی به این معنی است که دولت‌ها باید برای بقا به خود متکی باشند و تلاش‌های آن‌ها برای تأمین امنیت خود، همواره باعث می‌شود که امنیت اطراف آن‌ها کم‌تر و منجر به یک معضل امنیتی شود. در جهان واقع‌گرای

تهاجمی، حکومت‌هایی که دنبال امنیت هستند، در معرض اقداماتی قرار دارند که می‌توانند منجر به درگیری با دیگران شود و معمولاً این کار را انجام می‌دهند. در جهان واقع گرای تدافعی، حکومت‌هایی که به دنبال امنیت هستند، تنها به تهدیدات خارجی که نادر هستند، واکنش نشان می‌دهند (Johnson & Thayer, 2016: 6). واقع‌گرایی تهاجمی نشان می‌دهد که کار محتاطانه حکومت‌ها این است که به‌طور مداوم به دنبال قدرت بیشتری باشند و از آنجا که هرگز نمی‌توان کاملاً مطمئن بود که حکومت‌های دیگر به دنبال استفاده از قدرت خود نخواهند بود، برای حفظ بقا، همیشه امن‌ترین وسیله رسیدن به بیش‌ترین حد توان است. با توجه ترس و بی‌اعتمادی بین کشورها که هرگز نمی‌توان آن‌را به‌طور کامل حذف کرد، دولت‌ها تشخیص می‌دهند که هرچه نسبت به رقبای خود قدرتمندتر باشند، اقبال بیشتری برای بقا دارند. از دید مرشایمر^۱، تراژدی سیاست قدرت بزرگ بر این استدلال تأکید دارد که حتی زمانی که هیچ‌کس به دنبال آن نیست، درگیری رخ می‌دهد (Mearsheimer, 2001: 3).

واقع‌گرایان تدافعی بر اهمیت «موازنه تهدید» به جای «موازنه قدرت» تأکید دارند. موازنه‌سازی اولین و مهم‌ترین راهبرد کشورهای تدافعی عاقل در شرایط تهدیدکننده و ناامن آنارشیک است. کشورها وقتی احساس کنند که امنیت و بقا در اتحاد و ائتلاف با دیگر کشورها، بهتر و بیشتر از اقدام یک‌جانبه تأمین و تضمین می‌شود، به این امر دست می‌زنند؛ تحت این شرایط، موازنه‌سازی در برابر یک تهدید مشترک خارجی، به‌عنوان منافع مشترک همه کشورها، همکاری آن‌ها در قبال تأسیس اتحاد و ائتلاف را برمی‌انگیزد. از نظر استفان والت^۲، برداشت‌های دولت‌ها از یکدیگر مهم است؛ هرچه دولتی متجاوزتر باشد، احتمال اینکه دولت‌های دیگر علیه آن، موازنه‌سازی را در پی گیرند بیشتر است. موازنه در برابر دولت‌هایی صورت می‌گیرد که قدرت آن‌ها از منظر دولت ایجادکننده موازنه، تهدیدکننده باشد (Walt, 1987: 5-13). والت با تغییر موازنه از قدرت به تهدید، چهار مؤلفه را به‌عنوان عوامل تهدیدگر توصیف کرده است: (۱) قابلیت‌های کلی (جمعیت، قدرت اقتصادی، نظامی و ...) که این شاخص، وجه اشتراک موازنه قوا و موازنه تهدید است؛ (۲) مجاورت جغرافیایی (نزدیکی تهدید) که میان درک از تهدید و نزدیکی جغرافیایی رابطه مستقیمی وجود دارد؛ (۳) قابلیت‌های تهاجمی که هرچه میزان توان‌مندی تهاجمی کشوری بیشتر باشد،

1. Mearsheimer
2. Stephen Walt

دغدغه‌های امنیتی آن کشور به همان میزان افزایش پیدا می‌کند و ۴) نیت تهاجمی که دولت‌های با نیت تهاجمی در مقایسه با دولت‌های حافظ وضع موجود، متضمن تهدیدهای بیشتری هستند (walt, 1987: 117).

با در نظر گرفتن این موارد می‌توان گفت که آذربایجان و ارمنستان، با توجه به فضای آنارشیک حاکم بر منطقه قفقاز جنوبی، در پی بیشینه‌سازی قدرت نسبی خود هستند و با توجه به نظریه موازنه تهدید، دولت‌های کوچکی مثل ارمنستان و آذربایجان که با انزوای ژئوپلیتیکی و محیط متخاصم مواجه هستند، برای ایجاد توازن به همراهی با روسیه و ترکیه روی آوردند؛ چراکه خود را قادر به ایجاد توازن با دولت‌های پیرامون نمی‌بیند و ناگزیر، باید با طرف‌های قدرتمند همراه شوند. با توجه به فضای تنش‌آمیز در روابط بین دو کشور و دخالت‌های کشورهای پیرامونی در منطقه، بحران قره‌باغ تبدیل به یک جنگ تمام‌عیار بین طرفین شد.

جنگ اول قره‌باغ

درگیری ناگورنو - قره‌باغ، اولین درگیری پیچیده پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود. قره‌باغ به‌عنوان بخشی از اتحاد جماهیر شوروی تا سال ۱۹۹۱، منطقه‌ای خودمختار در درون آذربایجان شوروی بود. درگیری زمانی آغاز شد اعضای ارمنی پارلمان ناگورنو - قره‌باغ در ۲۰ فوریه ۱۹۸۸ به جدایی از آذربایجان و الحاق به ارمنستان رأی دادند (Özkan, 2008: 577). آرامنه بعد از رفراندوم، با عنوان جمهوری سوسیالیستی قره‌باغ کوهستانی در سال ۱۹۹۱ اعلام استقلال کردند. در واکنش به این مصوبه، پارلمان جمهوری آذربایجان خودمختاری قره‌باغ را لغو و اداره آن را به دولت مرکزی جمهوری آذربایجان واگذار کرد که منجر به مناقشه در قره‌باغ شد. در نتیجه جنگ، آذربایجان نه تنها قره‌باغ، بلکه هفت ناحیه اطراف آن (آغدام، فضولی، کلبجر، زنگیلان، لاجین، جبرائیل و قوبادلی) که جزو قلمرو آذربایجان بود از دست داد (Askerov, 2020). برتری ارمنستان بر آذربایجان در این جنگ را می‌توان ناشی از سه عامل دانست؛ روند ساخت ارتش و تسلیحات مدرن ارمنستان، بحران داخلی آذربایجان و حمایت‌های سیاسی منطقه‌ای (Mahmudlu & Abilov, 2018: 41). در این دوره تاریخی آذربایجان با بحران داخلی ناشی از استقلال مواجه بود. طرفداران ایاز مطلب‌اف که رویکرد کمونیس‌گرایانه داشتند، با مخالفان ملی‌گرا به سرکردگی ایلچی بیگ درگیر بودند و از طرف دیگر، تالش‌ها در جنوب و لزگی‌ها در

شمال آذربایجان علم استقلال برداشته بودند. ملی‌گرایی رادیکال و تنش‌های داخلی، آذربایجان را به جنگی سوق داد که هیچ ابزار و ظرفیتی برای مبارزه و پیروزی در برابر ارتش سازمان‌یافته ارمنستان نداشت (Özkan, 2008:591). این جنگ تا ۱۹۹۴ ادامه پیدا کرد و منجر به اشغال تقریباً ۲۰ درصد از قلمرو آذربایجان شد. در سال ۱۹۹۳، شورای امنیت سازمان ملل متحد چهار قطعه ۸۲۲، ۸۵۳، ۸۷۴ و ۸۸۴ را تصویب کرد و خواستار خروج نیروهای ارمنی از سرزمین‌های اشغالی آذربایجان شد (Shafiyev & Huseynov, 2020: 100). از آنجا که نه آذربایجان و نه هیچ کشور دیگری استقلال جمهوری جدید قره‌باغ را به رسمیت نشناختند، وضعیت منطقه مورد مناقشه میان آذربایجان و ارمنستان مبهم باقی ماند. قرارداد آتش‌بس که به جنگ دهه ۱۹۹۰ پایان داد، به پروتکل بیشکک معروف بود، تاریخ انقضا نداشت و قرار بود تا زمان توافق نهایی به قوت خود باقی بماند (Baghdassarian & Pope, 2020). با این حال چنین توافقی حاصل نگردید و هیچ پروتکل آتش‌بس جدیدی تا جنگ دوم قره‌باغ ایجاد نشده است.

پیش‌زمینه‌های جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰)

در روزهای ۱۲ تا ۱۵ ژوئیه سال ۲۰۲۰، درگیری میان ارمنستان و آذربایجان به یک درگیری نظامی بزرگ در امتداد مرز دولت با مناطق توووز^۱ آذربایجان و تاووش^۲ ارمنستان تبدیل شد. درگیری توووز یکی از بزرگ‌ترین و مرگبارترین درگیری‌ها از زمان تشدید آوریل ۲۰۱۶ بود. طی این درگیری‌ها، ۱۲ نفر از نیروهای آذربایجان از جمله یک غیرنظامی و یک افسر عالی‌رتبه کشته شدند، در حالی که طرف ارمنی، کشته‌شدن چهار سرباز را گزارش کرد (Ergun & Valiyev, 2020: 2). سرلشکر پولاد هاشیموف، یکی از کشته‌شدگان، چهره‌ای محبوب بود که مرگ او، جریان بازپس‌گیری قره‌باغ را به حرکت درآورد. یک اعتراض کوچک به تظاهرات ده‌ها هزار نفری تبدیل شد که در پایتخت باکو راهپیمایی می‌کردند و خواستار این بودند که ناگورنو - قره‌باغ بازپس گرفته شود (gall, 2020). این امر منجر به بروز ملی‌گرایی و میهن‌پرستی در آذربایجان و تظاهرات خیابانی و فشار بی‌سابقه بر دولت، برای ادامه اقدامات نظامی جهت بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی در قره‌باغ شد (Ergun & Valiyev, 2020: 3). منطقه توووز

1. Tovuz
2. Tavush

آذربایجان که در آن درگیری‌ها رخ داد، منطقه‌ای است که میزبان خطوط لوله اصلی انرژی خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیهان، کریدور گاز جنوب، مسیرهای حمل و نقل راه آهن باکو - تفلیس - کارس و کریدور حمل و نقل شرق - غرب است که آذربایجان را از طریق گرجستان و ترکیه به اروپا متصل می‌کند. هرگونه بی‌ثباتی در این بخش از آذربایجان، ضربه‌ای جدی به ارتباط این کشور با شرکای غربی خود وارد خواهد کرد که پیامدهای گسترده‌ای برای هر دو طرف خواهد داشت (Shafiyev & Huseynov, 2020: 103-104).

تا ۲۷ سپتامبر، آذربایجان یک فرصت مناسب برای آغاز جنگ جهت آزادسازی سرزمین‌های خود پیدا کرده بود. این امر چندین جنبه داشت؛ اول اینکه گزینه جنگ در چند دهه گذشته توسط آذربایجان، به‌ویژه پس از شکست در هر دور مذاکرات صلح، به‌طور مداوم اعلام شده بود؛ دوم اینکه ارتش آذربایجان در سال‌های اخیر به‌خوبی تجهیز شده بود و سوم هم این کشور، به‌دلیل ناکارآمدی گروه مینسک، سازمان امنیت و همکاری اروپا، باور خود به جامعه بین‌المللی را از دست داده بود. از طرف دیگر ترکیه، شریک استراتژیک آذربایجان پس از حمله توووز تصمیم گرفت که به حمایت از آذربایجان با تمام منابع خود پردازد. روسیه نیز از حمایت ارمنستان، که وفاداری اش پس از بیانیه‌های طرفداری از غرب پیشین زیر سؤال رفته بود، عقب‌نشینی کرده بود. در نهایت به نظر می‌رسد که یک توافق ضمنی بین ترکیه و روسیه حاصل شده است که به موجب آن، ترکیه به سمت ایفای نقش فعال‌تر به‌عنوان تغییردهنده بازی حرکت خواهد کرد و روسیه خواهد ایستاد؛ مگر اینکه تعارض به قلمرو ارمنستان گسترش یابد یا امنیت منطقه‌ای گسترده‌تر را تهدید کند (Ergun & Valiyev, 2020: 2).

وضعیت نیروها در جنگ دوم قره‌باغ

جنگ دوم قره‌باغ که شش هفته به طول انجامید، نقطه عطفی در امور نظامی بود. می‌توان گفت که این یک درگیری پست‌مدرن بود که در آن هوایمای بدون سرنشین، نقش اساسی را در جنگ برعهده داشتند. این جنگ بر این اصل سنتی تأکید کرد که برتری هوایی، یک پیش‌شرط برای پیروزی در جنگ زمینی است. مهم‌ترین ویژگی این روش جدید استفاده از پهپادهای بدون تلفات خدمه پرواز است (Rubin, 2020: 11). این جنگ طیف گوناگونی از سامانه‌های هوایی و موشکی از قبل موجود و پیشرفته را در حوزه تهاجمی و دفاعی به نمایش گذاشت. موشک‌های

بالمستیک مورد استفاده از نسل‌های مختلف بودند و شامل موشک‌های قدیمی مانند اسکاد^۱ و توچکا^۲ مربوط به دوران شوروی و موشک‌های جدیدتر و پیشرفته‌تر مانند اسکندر^۳ و موشک‌های لورا^۴ (تهاجمی دوربرد) ساخت اسرائیل می‌شدند (Shaikh & Rumbaugh, 2020).

آذربایجان یک نیروی نظامی ثابت ۹۵/۰۰۰ نفری دارد که ۸/۰۰۰ نفر در نیروی هوایی، ۲/۰۰۰ نفر در نیروی دریایی و ۸۵/۰۰۰ نفر باقی‌مانده در نیروهای زمینی خدمت می‌کنند (Ali Baig, 2020: 80). نیروهای زمینی آذربایجان به ۹۴ تانک تی - ۹۰ (ام‌بی‌تی)^۵، ۱۲۰ تانک تی - ۷۲ (ام‌بی‌تی)^۶ و ۱۰۰ تانک تی - ۵۵ (ام‌بی‌تی اس ۸)^۷ مجهز است. از میان این تانک‌ها، تی - ۹۰ یکی از پیشرفته‌ترین ام‌بی‌تی‌ها در زرادخانه آذربایجان است. نیروی هوایی آذربایجان عمدتاً مجهز به تجهیزات روسی است و تقریباً ۱۷ جنگنده میگ - ۲۹ فولکروم^۸، ۲۶ جنگنده میگ - ۲۵ فاکس‌بت^۹ و ۴ جنگنده میگ - ۲۱ فیشبد^{۱۰} برای رهگیری، ۱۲ فروند هواپیمای سوخو سو - ۲۵ فراگ‌فوت^{۱۱}، ۵ فروند هواپیمای سوخو سو - ۲۴ ففسر^{۱۲} و ۴ فروند هواپیمای سوخو سو - ۱۷ فیتز^{۱۳} و هم‌چنین بالگردهای توپدار از جمله ۲۷ هلیکوپتر میل - ۲۴ هایند^{۱۴} و ۴ هلیکوپتر میل - ۳۵ هایند ای^{۱۵} برای پشتیبانی از نیروهای زمینی دارد (Ali Baig, 2020: 81). آذربایجان از درآمد افزایش یافته خود از صادرات نفت و گاز برای نوسازی ناوگان هوایی خود از جمله هواپیماهای بدون سرنشین (UAVs)^{۱۶} و موشک‌های بالمستیک استفاده کرده است (Rubin, 2020: 6). آذربایجان علاوه بر موشک‌های توچکا که از دوره شوروی به‌جا مانده است، موشک‌های بالمستیک اسرائیلی لورا و راکت هدایت‌شونده اکسترا^{۱۷} را خریده است (Shaikh & Rumbaugh, 2020).

1. Scud
2. Tochka
3. Iskander
4. LORA
5. T-90 (MBT)
6. T-72 (MBT)
7. T-55 (MBTs8)
8. MiG-29 FULCRUM
9. MiG-25 Foxbat
10. MiG-21 Fishbed
11. Sukhoi Su-25 Frogfoot
12. Sukhoi Su-24 Fencer
13. Sukhoi Su-17 Fitter
14. Mi-24 Hind
15. Mi-35 Hind-E
16. unmanned aerial vehicle
17. EXTRA

(2020). در سال ۲۰۱۶، ارتش آذربایجان ۱/۶ میلیارد دلار برای هواپیماهای بدون سرنشین و سیستم‌های دفاع موشکی و ضد‌هوایی اسرائیل هزینه کرد (Minasyan 2020). آذربایجان پهپادهای «انتحاری» یا «کامی‌کازه»^۱، پهپادهای غیرمسلح و هم‌چنین سیستم پرتاب پهپادهای هاروپ^۲ را از اسرائیل و قبل از حمله آذربایجان به قره‌باغ در ژوئیه سال ۲۰۲۰، پهپادهای مسلح بایراکتار تی‌بی^۳ را از ترکیه خریده بود (Rubin, 2020: 6).

ارمنستان منابع لازم برای مدرن کردن نیروهای زمینی و دفاع هوایی خود را نداشته است. این کشور هنوز هم تا حد زیادی مجهز به سلاح‌های قدیمی دوران شوروی است که برخی منسوخ شده‌اند. تنها استثنا، نیروی هوایی ارمنستان بود که ۴ جنگنده چندمنظوره روسی سوخو ۳۰ اس‌ام^۴ را در سال‌های پیش از جنگ دریافت کرد (Rubin, 2020: 5). زرادخانه موشکی ارمنستان تماماً از راکت‌های روسی تشکیل شده است. موشک‌های توچکا و اسکاد ارمنستان مربوط به دوران شوروی هستند. این کشور موشک‌های اسکندر را نیز در سال ۲۰۱۶ از روسیه خرید. بخش اعظم توپخانه راکتی ارمنستان نیز روسی است و به‌جز این‌ها، فقط یک سامانه راکت‌انداز چندگانه دپلیوام - ۸۰ چینی دارد. ناوگان پهپادی ارمنستان از سامانه‌های بومی کوچک‌تر که بر روی مأموریت‌های شناسایی متمرکزند تشکیل شده که به اندازه ناوگان پهپادهای آذربایجان توانمند نیستند (Shaikh & Rumbaugh, 2020). ظرفیت حمله هوایی ارمنستان نیز ضعیف است و شامل ۱۵ جت سوخو سو - ۲۵ و ۲۰ بالگرد تهاجمی میل ام‌آی - ۲۴ و میل ام‌آی - ۸ است (Minasyan 2020).

کلید موفقیت نهایی آذربایجان، عملیات هوایی پیچیده آن بود. در چند روز اول جنگ، هر دو طرف در حمله زمینی خود از هواپیماهای با سرنشین و بالگردهای توپدار استفاده کردند، اما سیستم دفاع هوایی بسیار مرگبار بود. پس از اینکه هر دو طرف هواپیما و هلیکوپترها را از دست دادند، آسمان برای انجام عملیات مرگبار پهپادهای UAVs پاک‌سازی شد. UAVs قادر به اجرای یک کمپین مرگبار حملات زمینی علیه تجهیزات نظامی ارمنستان بودند. وزارت دفاع آذربایجان چندین کلیپ ویدیویی از سیستم‌های دفاع هوایی ارمنی منتشر کرد که از همه نوع بودند؛ از جمله

1. Kamikaze
2. Harop
3. Bayraktar TB2
4. Sukhoi Sm-30

نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

سامانه دفاع هوایی اس آ-۸ اوسا^۱، اس آ-۱۳ استرلا^۲ و اس آ-۱۵ بوک^۳ که در برابر پهپادهای آذربایجانی ناتوان بودند. این سیستم‌های دفاعی قادر به شناسایی پهپادها نبودند. هاروپ چنان هواپیمای کوچکی است که پایین‌تر از آستانه تشخیص رادار سیستم اس-۳۰۰ قرار گرفته بود (Rubin, 2020: 9). پهپاد تی‌بی ۲ ساخت ترکیه، قابلیت‌های چندکاره پلتفرم‌های پهپادی را در جنگ قره‌باغ نمایان ساخت. ترکیه قبلاً از این پهپادها در سوریه و لیبی استفاده کرده بود. بخش اعظم سامانه‌های ضد هوایی ارمنستان را سامانه‌های منسوخ مربوط به دوران شوروی تشکیل می‌دادند. ارتفاع پروازی پهپادهای تی‌بی ۲ به قدری زیاد است که سامانه‌های مذکور حتی اگر می‌توانستند این هواپیماهای نسبتاً کوچک را کشف کنند، باز هم قادر به رهگیری و انهدام آنها نبودند. سامانه‌های ضد هوایی بزرگ‌تر ارمنستان نظیر اس-۳۰۰ برای مقابله با مأموریت‌های پهپادی طراحی نشده‌اند و طی روزهای اول جنگ توسط پهپادهای انتحاری آذربایجان مورد اصابت قرار گرفتند. این حملات نمایانگر آسیب‌پذیری سامانه‌های ضد هوایی پیشرفته هستند (Shaikh & Rumbaugh, 2020). سیستم‌های هاروپ اسرائیل و هواپیمای بدون سرنشین بایراکتار تی‌بی ۲ ترکیه، تشخیص و تخریب اهداف نظامی را با هزینه بسیار پایین ممکن ساختند. سیستم‌های ام ایکس-۱۵ ال ۳ هریس وسکام^۴ ظاهراً به هواپیماهای بدون سرنشین تی‌بی ۲ مجهز شده‌اند و آذربایجان از آنها برای تشخیص اهداف و هدایت موشک‌ها، از جمله استفاده از تصویربرداری حرارتی برای تعیین دقیق و کشتن نیروها حتی حین تلاش برای پوشش، استفاده می‌کند (Minasyan 2020). تحت تأثیر این پهپادها، تلفات نیروهای زمینی ارمنستان ۱۸۵ تانک، ۸۹ خودروی زرهی، ۱۸۲ توپ، ۷۳ خمپاره‌انداز، ۴۵۱ کامیون، ۲۶ سیستم دفاع هوایی و ۱۴ رادار تخمین زده می‌شود (Rubin, 2020: 10). در جدول ۱، فهرست تسلیحات نظامی دو کشور ارمنستان و آذربایجان در جنگ قره‌باغ نشان داده شده است.

SA-8 Osa.^۱

SA 13 Strela.^۲

SA 15 Buk.^۳

MX-15 L3Harris Wescam.^۴

نشریه علمی سیاست‌های دفاعی

جدول ۱. فهرست تسلیحات نظامی ارمنستان و آذربایجان در جنگ قره‌باغ (پهپادها، موشک‌ها و راکت‌اندازها)
(Shaikh& Rumbaugh, 2020)

مشخصات	تسلیحات نظامی ارمنستان	مشخصات	تسلیحات نظامی آذربایجان
موشک بالیستیک با برد ۱۲۰ کیلومتر موجودی برآوردشده ۴ پرتابگر	موشک توچکا ۹ کا ۷۹	موشک بالیستیک با برد ۱۲۰ کیلومتر موجودی برآوردشده ۳ یا ۴ پرتابگر	موشک توچکا ۹ کا ۷۹ یو
موشک بالیستیک خریداری شده از روسیه در سال ۲۰۱۶ با برد ۲۸۰ - ۳۰۰ کیلومتر موجودی برآوردشده حدود ۸ پرتابگر و ۲۵ موشک	موشک اسکندر - ای	موشک بالیستیک خریداری شده از رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۸ با برد ۲۸۰ کیلومتر موجودی برآوردشده حدود ۴ پرتابگر و ۵۰ موشک	موشک لورا
موشک بالیستیک با برد ۳۰۰ کیلومتری به‌جامانده از اتحاد جماهیر شوروی موجودی برآوردشده حدود ۸ پرتابگر و ۲۵ موشک	موشک اس اس ۱ - سی اسکاد - بی	موشک هدایت‌شونده خریداری شده از رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۹ با برد ۱۵۰ کیلومتر موجودی برآوردشده حدود ۶ پرتابگر و ۵۰ موشک	موشک اکسترا
پهپاد بومی شناسایی معرفی شده در سال ۲۰۱۴	پهپاد ایکس ۵۵	پهپاد خریداری شده از ترکیه در سال ۲۰۲۰ مجهز به مهمات سبک و توانایی پرواز ۲۴ ساعت	پهپاد تی‌بی ۲ بایراکتار
پهپاد بومی شناسایی معرفی شده در سال ۲۰۱۱	پهپاد کرانک	پهپاد خریداری شده از رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۶ پهپادی برای از بین بردن رادار و سرکوب پدافند هوایی دشمن توانایی پرواز ۶ ساعت موجودی برآوردشده ۵۰ عدد	پهپاد هاروپ

■ جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰): علل، زمینه‌ها و پیامدها

مشخصات	تسلیمات نظامی ارمنستان	مشخصات	تسلیمات نظامی آذربایجان
هیچ گزارشی از تملک ارمنستان بر این پهباد روسی وجود نداشت؛ اما گزارش‌ها حاکی از استفاده آن در پایان جنگ قره‌باغ داشت.	پهباد اورلان ۱۰	پهباد خریداری شده از رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۹-۲۰۱۶ موجودی برآورد شده ۸۰ عدد	پهباد اوربیت ۱- ک
خریداری شده از روسیه در سال‌های ۲۰۱۷ - ۲۰۱۵. برد ۹۰ کیلومتری موجودی برآورد شده ۶ پرتابگر	راکت انداز بی‌ام ۳۰ اسمرچ	خریداری شده از روسیه در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۳ برد ۹۰ کیلومتری موجودی برآورد شده ۳۰-۴۰ پرتابگر	راکت انداز بی‌ام ۳۰ اسمرچ
خریداری شده از چین در سال ۱۹۹۹. برد ۱۲۰ کیلومتر موجودی برآورد شده ۴-۸ پرتابگر	راکت انداز ۸۰ وی ام	خریداری شده از ترکیه در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ برد ۱۲۰ کیلومتر موجودی برآورد شده ۲۰ پرتابگر	راکت انداز تی ۳۰۰ کاسیرگا
خریداری شده از روسیه در بازه ۲۰۱۶ برد ۱۰ کیلومتر	راکت انداز توس آ ۱	خریداری شده از رژیم صهیونیستی وجودی برآورد شده ۱۰ عدد اوربیت ۳، ۱۰۰ عدد اسکای استرایکر، ۲ عدد هرمس ۹۰۰ و ۱۰ عدد هرمس ۴۵۰	پهبادهای اوربیت ۳، اسکای استرایکر و هرمس ۹۰۰ و ۴۵۰
خریداری شده از روسیه در ۱۹۹۶ برد ۲۰ کیلومتر	راکت انداز بام - ۲۱ گراد	خریداری شده از ترکیه موجودی برآورد شده ۲۰ پرتابگر تی ۳۰۰، ۴۰ پرتابگر تی ۱۲۲ و ۳۰ پرتابگر تی ۱۰۷	راکت انداز تی ۳۰۰، تی ۱۲۲ و تی ۱۰۷

درحالی که هر دو طرف موشک‌های بالستیک را به کار گرفته‌اند، به نظر می‌رسد تنها استفاده محدودی از آن‌ها کرده‌اند. یک موشک لورا اسرائیلی برای از بین بردن یا آسیب زدن به یک پل استراتژیک در نزدیکی راهرو لاجین استفاده شد. ارمنستان دو موشک اسکندر اس اس - ۲۶

روسی و موشک‌های بالستیک اسکاد را علیه شهرهای آذربایجان استفاده کرد و باعث کشته شدن تعداد زیادی غیرنظامی شد. ارمنستان ظاهراً در حمله به گنجه، دومین شهر پرجمعیت آذربایجان، از موشک‌های توچکا و اسکاد استفاده کرد (Shaikh & Rumbaugh, 2020). به طور قابل توجهی، هیچ یک از دو طرف از موشک‌های بالستیک در برابر پایتخت یا زیرساخت‌های ملی دیگر استفاده نکردند. واضح است که هر دو کشور تمایلی به تشدید مناقشه نداشتند که ممکن بود مداخله روسیه یا سایر مداخلات بین‌المللی را به بار بیاورد (Rubin, 2020: 9). هر دو طرف شاید به این نتیجه رسیده‌اند که حمله به شهرها یا زیرساخت‌های حیاتی ممکن است موجب بالاگرفتن نبرد شود و منازعه، صرفاً به منطقه ناگورنو - قره‌باغ محدود نماند (Shaikh & Rumbaugh, 2020).

طرح جنگ آذربایجان، حمله از طریق منطقه پست قره‌باغ و سپس بازگشت به شمال برای بستن کریدور استراتژیک لاجین بود که تنها ارتباط جاده‌ای بین ناگورنو - قره‌باغ و ارمنستان است. بسته شدن این کریدور باعث جدا شدن قره‌باغ از ارمنستان و سقوط آن شد. در پایان هفته پنجم، نیروهای آذربایجان به لاجین نزدیک شدند. در آخرین هفته جنگ، این نیروها وارد کوه‌های ناگورنو - قره‌باغ شدند و شهر استراتژیک شوشا را تصرف کردند (Rubin, 2020: 6). آذربایجانی‌ها با تصرف شوشا، جاده دسترسی کلیدی مورد نیاز برای تأمین تدارکات نظامی برای رسیدن به این منطقه کوهستانی را قطع کردند. شوشا به دلیل موقعیت جغرافیایی و اهمیت خود، به عنوان یکی از مراکز مهم فرهنگی، اقتصادی و اداری آذربایجان، یکی از دو شهر کلیدی به همراه خانکندی در منطقه ناگورنو - قره‌باغ است. این شهر در ۱۰ کیلومتری خانکندی، بزرگ‌ترین شهر منطقه قره‌باغ قرار دارد. کنترل شوشا نه تنها به آذربایجان اجازه داد تا به طور بالقوه به خانکندی حمله کنند، بلکه به نیروهای آذربایجان مزیت کنترل مسیرهای مهم تأمین را نیز داد (Baghdassarian & Pope, 2020). آذربایجان که قصد حمله به مرکز ناگورنو - قره‌باغ و شهر خانکندی را داشت، پس از آنکه ارمنستان با توافق نامه آتش‌بس موافقت کرد، که توسط فدراسیون روسیه میانجی‌گری شده بود، به عملیات تهاجمی خود پایان داد.

توافق نوامبر ۲۰۲۰

در ۹ نوامبر ۲۰۲۰، رئیس‌جمهور آذربایجان، علی‌اف، نخست‌وزیر ارمنستان، پاشینیان و رئیس‌جمهور روسیه پوتین، بیانیه مشترکی صادر کردند که رسانه‌ها آن را توافق صلح یا آتش‌بس نامیدند. این توافق‌نامه منافع ارضی قابل توجهی را برای آذربایجان تضمین و گسترش داد. یکی از نتایج مهم فوری این توافق‌نامه، استقرار نیروهای روسی در منطقه درگیری به‌عنوان نیروهای حافظ صلح بود. این توافق‌نامه از نه امتیاز مهم تشکیل شده است؛ آتش‌بس و تبادل زندانیان و کشته‌شدگان، بازگشت سرزمین‌های اطراف ناگورنو - قره‌باغ به کنترل آذربایجان، استقرار ۱۹۶۰ حافظ صلح روسی در منطقه درگیری به مدت ۵ سال، تأسیس یک مرکز حافظ صلح برای نظارت بر آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروهای ارمنی از منطقه درگیری، حفظ یک راهروی زمینی بین ارمنستان و قره‌باغ، بازگشت آوارگان داخلی و پناهندگان و ایجاد یک کریدور حمل و نقل زمینی در ارمنستان بین سرزمین آذربایجان و نخجوان آذربایجان (واقع در غرب ارمنستان) (Welt & Bowen, 2021: 14). بر مبنای این توافق‌نامه، نیروهای ارمنستان / قره‌باغ باید از مناطق دیگر اطراف قره‌باغ (به‌ویژه مناطق کلجبر، لاجین و آغدام) خارج شوند (Hartrick, 2020). بنابراین گزارش‌ها، روسیه دست کم ۱۹۶۰ سرباز، ۹۰ نفر بر زرهی و ۳۸۰ وسیله نقلیه و تجهیزات ویژه در منطقه درگیری مستقر کرده است. روسیه برای نظارت بر آتش‌بس، اطمینان از امنیت ساکنان و تأمین امنیت ترانزیت بین ارمنستان و قره‌باغ، در حال استقرار نیروهای خود در طول خط آتش‌بس در دالان لاجین است. علاوه بر این، نیروهای مرزی سرویس امنیت فدرال روسیه (FSB)، ملزم به تضمین حرکت آزادانه بین آذربایجان و نخجوان واقع در غرب ارمنستان هستند؛ اگرچه مشخص نیست که چه زمانی این قانون اجرا شود (Welt & Bowen, 2021: 16).

توافق‌نامه آتش‌بس منجر به آشفتگی سیاسی در ارمنستان شد. در اعلام این توافق‌نامه، نخست‌وزیر ارمنستان، پاشینیان گفت که این مسأله برای شخص من و مردم ما بسیار دردناک است؛ اما این تصمیم بر اساس تجزیه و تحلیل عمیق وضعیت نظامی و ارزیابی افرادی است که این وضعیت را بهتر می‌شناسند. او گفت که این معامله «بهترین راه‌حل در این وضعیت» بوده است (Kramer, 2020). پس از اعلام توافق در تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۲۰، معترضان در ارمنستان به ساختمان‌های دولتی حمله و به‌طور موقت، پارلمان ارمنستان را اشغال کردند. بنابراین گزارش‌ها،

آرارات میرزویان رئیس مجلس، از اتومبیلش بیرون کشیده شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت و معترضان و سیاست‌مداران مخالف، خواستار استعفای پاشینیان شدند. در ۱۴ نوامبر ۲۰۲۰، رئیس سابق سرویس امنیت ملی ارمنستان به اتهام آماده‌سازی کودتا دستگیر شد و وزیر امور خارجه، دفاع و اقتصاد ارمنستان استعفا دادند. در آذربایجان، حمایت از عملیات نظامی و دولت آذربایجان بالا و نتیجه آن جشن‌های ملی بوده است. رئیس‌جمهور آذربایجان، علی‌اف، پس از امضای توافق‌نامه ۹ نوامبر ۲۰۲۰، آن‌را پیروزی باشکوه خواند و گفت: «این پیروزی آرزوی ۳۰ ساله مردم آذربایجان بوده است» (Welt & Bowen, 2021: 16). این درگیری باعث شد تا آذربایجان کنترل حدود یک‌سوم منطقه خودمختار ناگورنو - قره‌باغ زمان شوروی و هفت منطقه مجاور را به‌دست آورد که نیروهای ارمنستان، ۲۵ سال پیش در اولین جنگ ناگورنو - قره‌باغ آن‌جا را اشغال کرده بودند.

علل و زمینه‌های مناقشه قره‌باغ

بحران قره‌باغ، یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های چند دهه اخیر در قفقاز جنوبی است که در جریان آن، علاوه بر عوامل داخلی، عوامل و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، براساس منافع ملی خود، نقش‌های گوناگونی را در شروع جنگ و تعمیق بحران داشته‌اند. در خصوص عوامل و زمینه‌های داخلی جنگ دوم قره‌باغ، علاوه بر تقابل هویتی، می‌توان به وضعیت داخلی دو کشور آذربایجان و ارمنستان و رویکردهای سیاسی دو کشور اشاره کرد. در جنبه خارجی هم به نقش تأثیرگذار روسیه و ترکیه در جنگ دوم قره‌باغ تأکید شده است.

علل و زمینه‌های داخلی

تقابل هویتی

اولین عامل تأثیرگذار در مناقشه قره‌باغ بحث تقابل هویتی است. این مناقشه فقط یک مسأله سیاسی و سرزمینی صرف نیست؛ بلکه یک تقابل قومیتی، حیثیتی و هویتی است. از نظر اسمیت^۱ (۲۰۰۴)، درگیری ارمنستان - آذربایجان را می‌توان به‌عنوان یک درگیری هویتی تعریف کرد که در آن، هر دو طرف درحالی که دشمن را کلیشه‌ای می‌کنند، تصویری مثبت از خود ایجاد می‌کنند

۱. Smith

که هر دو از تجربه جنگ ناگورنو - قره‌باغ ناشی می‌شوند. توماس دو وال^۱ (۲۰۰۵) استدلال می‌کند که براساس نسخه‌های ملی ناسازگار تاریخ قره‌باغ، طرفین درگیری بر این باورند که بدون ناگورنو - قره‌باغ بودن، یک هویت ملی ناقص دارند که ملت ارمنستان یا آذربایجان بدون آن، یک چیز ناقص و شکسته است. هم در آذربایجان و هم در ارمنستان، دیدگاه دیگری به‌عنوان دشمن در طول یک نسل ساخته شده است و اذهان هر دو ملت مملو از خاطرات تاریخی آغشته با احساس انزجار و بی‌زاری از طرف مقابل است (ولیکلی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

برای آذربایجان، درگیری ناگورنو - قره‌باغ نقش کلیدی برای ساخت هویت ملی آذربایجان داشته است که حس تعلق گروه‌های اقلیت به آذربایجان را تقویت و از تکرار جدایی‌طلبی اقلیت‌ها مانند لژی‌ها و تالشی‌ها جلوگیری می‌کند. (Siroky & Mahmudlu, 2016: 100) داغ قره‌باغ بر دل هر شهروند آذربایجانی نشست و تلاش برای آزادسازی سرزمین‌های ازدست‌رفته، موجب تحکیم وحدت ملی و هم‌بستگی و مهم‌تر از همه، موجب شکل‌گیری و تقویت هویت ملی در جامعه آذربایجان شد. به‌نظر می‌رسد تصاویر خودمثبت، گفتمان قربانی و مظلومیت از یک سو و کلیشه کردن دشمن از سوی دیگر، نقاط کانونی گفتمان نخبگان آذربایجان باشد (Tokluoglu, 2011: 1227). بر مبنای این روایت، آذربایجانی‌ها خود را قربانی قفقاز تعریف می‌کنند؛ نه تنها به این دلیل که مسلمان بلکه به این دلیل که ترک هستند (Tokluoglu, 2011: 1225). نخبگان آذربایجان روح جنگ را با وعده‌های ملی‌گرایانه در کشور زنده نگه می‌دارند و این هویت‌سازی از طریق رسانه‌های دولتی، ادبیات و موسیقی‌های خاص در جامعه آذربایجان تبلیغ می‌شود. از زمانی که آذربایجان در قره‌باغ شکست خورد، نخبگان سیاسی و اجتماعی از این شکست برای اتحاد و تقویت هویت ملی استفاده کردند (Siroky & Mahmudlu, 2016: 100).

برای ارمنستان هم قره‌باغ به‌عنوان یکی از مسائل بدون‌گذشت و بحث‌هویی مطرح بوده است. نخبگان ارمنستان هم برای این وضعیت دست به اسطوره‌سازی زده‌اند (Garagozov, 2013; 98). تجارب تاریخی ارمنی‌ها در مقابل ترک‌ها همواره باعث ایجاد نوعی ذهنیت تاریخی تنش‌آلود در نزد آن بوده است که این ذهنیت، با نوعی احساس محاصره از سوی ملت‌های هم‌جوار با هویت اسلامی و متعارض با مسیحیت همراه است. فشار روانی این نگاه تاریخی به حدی

1. Thomas de Waal

است که ارمنی‌ها، قره‌باغ را امید و نهاد گسستن زنجیره همه ناتوانایی‌های تاریخی خود می‌دانند (ولیکلی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۶). پیروزی ارمنستان در جنگ اول قره‌باغ، مبنای نمادینی برای یکپارچگی ملی ارمنی‌ها فراهم کرده است که به‌عنوان تصحیح اشتباهات تاریخی مرتکب شده در سال ۱۹۱۵ و بازیابی غرور آسیب‌دیده در نظر گرفته می‌شود (Abushov, 2019: 81). درگیری ناگورنو - قره‌باغ در گفتمان ملی به‌عنوان اخراج مکرر ارمنی‌ها از سرزمین‌های تاریخی‌شان بیان شد. ایجاد ارتباط تاریخی بین وقایع ۱۹۱۵ و درگیری ناگورنو - قره‌باغ، حس ترس و ناامنی را در میان مردم تقویت کرد. آذربایجانی‌ها - به‌عنوان برادران ترک‌ها در گفتمان ارمنی - در مجموع به‌دلیل تراژدی‌های تاریخی و وقایع ۱۹۱۵ مجرم شناخته شدند (Özkan, 2008:584-585). قره‌باغ در تاریخ ارمنستان موضوعی کاملاً عاطفی و مقدس تلقی شد و به همین دلیل، در ارمنستان هر نوع مسامحه درباره قره‌باغ با عنوان خیانت بزرگی در حق ملت مطرح گردید. طرف‌های نزاع با شناسایی «طرف دیگر» به‌عنوان یک «تهدید» برای هویت خود، روایتی از تعارض ایجاد کرده‌اند. تحت این شرایط، رهبران سیاسی کنونی در آذربایجان و ارمنستان احساس می‌کنند که انتخاب کمی در مورد به‌چالش کشیدن سیاست‌های تثبیت‌شده کشورهای مربوطه خود دارند.

بحران‌های سیاسی اقتصادی داخلی

وضعیت داخلی ارمنستان

اقتصاد ضعیف ارمنستان به همراه انزوای ژئوپلیتیکی و سیاسی و قرار گرفتن در یک محیط متخاصم منطقه‌ای، این کشور را بسیار آسیب‌پذیر کرده است. در کنار شکل جغرافیایی ارمنستان، عوامل متغیر ژئوپلیتیکی مانند فقر اقتصادی، فقر منابع طبیعی، مسدود بودن مرزهای شرقی - غربی، تجربیات خاص تاریخی و بحران‌های سیاسی نیز بر انزوای ژئوپلیتیکی ارمنستان افزوده‌اند (محموداوغلی و رستمی، ۱۳۹۷: ۲۰۰). فقر ژئوپلیتیکی ارمنستان این کشور را در مقابل روسیه قرار داده است. روسیه هم سعی کرده است در مناسبات سیاسی و اقتصادی این کشور نقش مسلطی داشته باشد. طی دهه گذشته، چهره‌های برجسته سیاسی ارمنستان، ارمنیان قره‌باغ بوده‌اند و شخصیت‌هایی مانند رابرت کوچاریان و سرژ سرکیسیان، تمایل بیشتری به روسیه داشتند. در سال ۲۰۱۸ دولت سرژ سرکیسیان توسط یک جنبش مردمی «نه به سرژ» سرنگون شد و نیکول پاشینیان

به‌عنوان شخصیت «غیرقره‌باغی» به قدرت رسید. تلاش‌های پاشینیان برای رسیدگی به فساد داخلی و سوءاستفاده از قدرت در دوره‌های گذشته و محدود کردن نفوذ روسیه در ارمنستان، همراه با اقداماتی که می‌توانست به‌عنوان ضدروسی تفسیر شود، باعث ایجاد تنش با مسکو شد. سرسخت‌ترین این اقدامات، تعقیب رئیس‌جمهور پیشین طرفدار روسیه، رابرت کوچاریان و یوری خاچاطوروف (دبیر کل وقت سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی) و مطرح کردن اتهامات در مورد سرکوب شدید اعتراضات پس از انتخابات ۲۰۰۸ بود. مسکو این اقدام را به‌عنوان خدشه‌ای برای اعتبار نهادی سازمان پیمان امنیت جمعی و خلاف روح متحدین تفسیر کرد (Sukiasyan, 2021: 2-3).

رویکرد کلان دولت نیکول پاشینیان در قبال مناقشه قره‌باغ، ترکیب و تصویر متعارض و ژانوسی از «تعامل و گفت‌وگو» از یک سو و «جنگ و درگیری» از سویی دیگر بود. شرکت در مراسم سوگند آراییک هاروتونیان، رئیس‌جمهور جدید منطقه قره‌باغ در شهر شوشا، ایده اضافه‌شدن نمایندگان قره‌باغ به مذاکرات صلح، رد طرح لاوروف برای صلح در قره‌باغ، اظهارات او مبنی بر اینکه «قره‌باغ، ارمنستان است و بس»، که عملاً قره‌باغ را بخشی از خاک ارمنستان معرفی کرد و اظهارات «داویت تونویان» وزیر دفاع وقت ارمنستان پس از جنگ چهار روزه جولای ۲۰۲۰ در منطقه تاووش، که «جنگ جدید مصادف با تصرف سرزمین‌های جدید خواهد بود» (موضوعی که در جمهوری آذربایجان، به گسترش دامنه جنگ به داخل خاک آذربایجان تعبیر شد)، از جمله مواردی است که به روشنی گویای اظهارات و رویکردهای تهاجمی و بعضاً تحریک‌آمیز دولت پاشینیان در قبال مناقشه قره‌باغ بود. براین‌د این رویکردها و مواضع متناقض، ابهام و سردرگمی در رابطه با استراتژی دولت نیکول پاشینیان در قبال مناقشه قره‌باغ بود که این امر، بر تضعیف و شکست نظامی و سیاسی ارمنستان در جنگ اخیر قره‌باغ بسیار مؤثر بود (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۹). به‌نظر می‌رسد که ارمنستان در این جنگ غافل‌گیر شد و اینکه چرا درگیری، آن‌چنان که رهبران ارمنی تصور می‌کردند پیش نرفت، به‌دلیل شماری از محاسبات شدیداً اشتباه است. عدم درک فضای بین‌المللی، عدم مداخله روسیه در جنگ، نقش ترکیه در این درگیری و نیز پویایی‌های داخلی آذربایجان از جمله تجهیز ارتش جمهوری آذربایجان به سیستم‌های موشکی و پهپادی و ضعف سامانه‌های دفاع ضد موشکی ارمنستان، عوامل تأثیرگذار بر شکست ارمنستان در جنگ دوم

قره‌باغ بودند (cornell, 2020). شکست ارمنستان در این جنگ معضل امنیتی ارمنستان را تشدید کرد و وابستگی آن‌را به روسیه افزایش داد.

وضعیت داخلی آذربایجان

جمهوری آذربایجان از زمان استقلال در سال ۱۹۹۱، سیاست خارجی مبتنی بر «موازنه ژئوپلیتیک» را در پیش گرفته است. موازنه ژئوپلیتیک به معنای ایجاد تعادل بین نیروهای سیاسی - جغرافیایی متعارض است (خیری، ۱۳۹۷: ۱۱۲). سیاست خارجی آذربایجان با تمرکز بر سه هدف اصلی شکل گرفته است؛ حفظ استقلال، حل مناقشه ناگورنو - قره‌باغ و تبدیل آذربایجان به یک شریک کلیدی برای قدرت‌های منطقه‌ای (Valiyev, 2010). برای این منظور آذربایجان یک سیاست خارجی چندوجهی را بعد از به قدرت رسیدن خاندان علی‌اف شکل داده است. آذربایجان به‌عنوان بخشی از سیاست خارجی چندجانبه خود، به گروه‌بندی‌های استراتژیک متعددی پیوسته است؛ هرچند ظاهراً با یکدیگر مخالف هستند (Idan and Shaffer, 2011: 255). احیای ناگورنو - قره‌باغ برای آذربایجان یک اولویت بوده و از منابع عظیم انرژی خود برای حمایت از یک ارتش بزرگ و مدرن استفاده کرده است (Spina, 2018:233). در سایه درآمدهای نفت و گاز، مخارج نظامی این کشور در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ بیش از بیست برابر افزایش یافته است، به شکلی که امروزه بودجه نظامی جمهوری آذربایجان، به‌تهایی بیش از دو برابر کل بودجه دولتی ارمنستان است (ابراهیمی و خیری، ۱۳۹۷: ۲۷۵). طبق گزارش مؤسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم (SIPRI)، آذربایجان غنی از نفت، بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ حدود ۲۴ میلیارد دلار صرف خرید اسلحه کرده است (Mirovalev, 2020). برای سال ۲۰۲۰، بودجه دفاعی و امنیتی آن تقریباً ۲,۲۷ میلیارد دلار بود که این مبلغ، بیش از نیمی از کل بودجه ایالت ارمنستان در سال ۲۰۲۰، یعنی تقریباً ۴ میلیارد دلار، را نشان می‌دهد (Coffey, 2020: 4). به‌عبارت ساده، استراتژی آذربایجان را می‌توان به‌صورت «اگر صلح می‌خواهید، برای جنگ آماده شوید» خلاصه کرد (Özkan, 2008:591).

آذربایجان زمان مناسبی را برای شروع جنگ دوم قره‌باغ انتخاب کرد. ایالات متحده آمریکا مشغول انتخابات ریاست جمهوری و اتحادیه اروپا با چالش‌های پس از برگزیت و یک بحران مدیریتی مواجه بود، ناتو در تلاش بود تا روابط پیچیده‌ای را با کشور عضو خود، ترکیه، حل و

فصل کند و روسیه، درگیر مشکلاتش در اوکراین، بلاروس و سوریه بود (Iskandaryan, 2020: 9). با این حال، سه دلیل احتمالی وجود دارد که آذربایجان را به عملیات نظامی سوق داده است؛ (۱) عامل اصلی که در گذشته آذربایجان را از اقدام بازمی‌داشت، تهدید مداخله نظامی مستقیم روسیه بود. آذربایجان احتمالاً توافق ضمنی روسیه را مبنی بر عدم دخالت روسیه در صورت شروع جنگ قره‌باغ ارزیابی کرده بود؛ (۲) یک سری اتفاقات در ۱۲ ماه گذشته رخ داده بود که نشان می‌داد ارمنستان علاقه کمتری به حل و فصل مذاکرات قره‌باغ دارد؛ از جمله زیر سؤال بردن مفاد مذاکرات مادرید توسط پاشینان، سخنرانی وزیر دفاع ارمنستان در سال ۲۰۱۹ در نیویورک زمانی که گفت کشورش باید برای «جنگ جدید برای سرزمین‌های جدید» آماده شود، تصمیم ارمنستان برای ساخت سومین جاده بزرگ متصل به ناگورنو - قره‌باغ و اسکان مجدد هزاران پناهنده ارمنی از سوریه به ناگورنو - قره‌باغ از ارمنستان (Coffey, 2020: 5) و (۳) عامل سوم، نقش تأثیرگذار ترکیه در حمایت از آذربایجان در جنگ قره‌باغ بود.

علل و زمینه‌های خارجی جنگ دوم قره‌باغ

نقش روسیه در مناقشه قره‌باغ

روسیه یک عامل پیچیده در مناقشه قره‌باغ است و هرگونه حل و فصل بحران، نیازمند تایید این کشور است. روسیه به‌حدی در منطقه قفقاز جنوبی تأثیرگذار است که می‌تواند درگیری در این منطقه را تشدید یا متوقف کند (Askerov, 2020). درگیری‌های منجمد، ابزار مناسبی برای تضمین حضور نظامی - امنیتی روسیه در منطقه است. این درگیری سنگ بنای اتحاد استراتژیک روسیه با ارمنستان و منبع فشار بر آذربایجان است. این کشور در زمان‌های مختلف از این مناقشه به‌عنوان یک ابزار سیاست خارجی، برای تضمین حضور سیاسی - نظامی در ارمنستان و در نتیجه نفوذ بر ارمنستان و آذربایجان استفاده کرده است (Abushov, 2019: 73). تا زمانی که در مورد وضعیت قره‌باغ عدم اطمینان وجود داشته باشد، ارمنستان به تضمین‌های امنیتی روسیه نیاز دارد و آذربایجان به دنبال روش‌هایی است که مسکو را به نفع خود در این مناقشه ببرد. تأمین موازی تسلیحات مدرن روسیه برای هر دو طرف، اغلب به‌عنوان شاهدهی بر عدم وجود منافع واقعی در مسکو در حل و فصل این مناقشه در نظر گرفته می‌شود (Romashov & Rytövuori-Apunen, 2017: 161).

مهم‌ترین هدف روسیه در بحران قره‌باغ، حفظ موازنه راهبردی در قفقاز و ممانعت از توسعه نفوذ غرب به‌ویژه آمریکا در منطقه است. گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به طرف مرزهای روسیه و حمایت از به‌حاکمیت‌رسیدن رژیم‌های طرفدار غرب، در عمل به انزوای سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشور در اروپا منجر شده و واقعیت محاصره روسیه را نمایان کرده است (ابراهیمی و خیری، ۱۳۹۷: ۲۷۱). بررسی اسناد سیاست خارجی و دکترین نظامی روسیه حکایت از آن دارد که این کشور، حرکت زیرساخت‌های غربی از جمله ناتو و اتحادیه اروپا را به‌سوی مرزهای خود، تهدید امنیتی می‌داند (خیری، ۱۳۹۷: ۱۰۹). روسیه از هر فرصتی برای جلوگیری از پیوستن کشورهای جدید به جامعه یورو - آتلانتیک استفاده می‌کند. از دیدگاه روسیه، چنین سناریویی یک حرکت جدی و خصمانه علیه منافع این کشور ایجاد خواهد کرد (Kubicek, 2009, 237). مناقشه سال ۲۰۰۸ میان روسیه و گرجستان، تمایل مسکو را به توسل به نیروی نظامی در حمایت از متحدانش نشان داد و این کشور را قادر ساخت تا حضور نظامی قابل توجهی در قفقاز جنوبی داشته باشد و اهرم‌های دیپلماتیک و اقتصادی خود را تقویت کند (German, 2012:2163). جنگ سال ۲۰۰۸ روسیه با گرجستان نشان داد غرب در جلوگیری از شکست نظامی متحدانش در منطقه قفقاز؛ یعنی گرجستان ناتوان است. این مناقشه سبب کاهش تدریجی نقش آفرینی کشورهای غربی در این منطقه شد (cornell, 2020).

ویژگی قابل توجه جنگ جدید ارمنستان - آذربایجان انفعال آشکار روسیه بود (Broers, 2020). به‌طور رسمی، روسیه پیش از تسهیل توافق ۹ نوامبر ۲۰۲۰، موضعی بی‌طرف در مورد مناقشه پاییز ۲۰۲۰ اتخاذ کرد. دیمیتری پسکوف، سخنگوی ریاست‌جمهوری روسیه، ۱۷ اکتبر سال ۲۰۲۰ گفت که تعهدات امنیتی روسیه به ارمنستان از طریق عضویت در سازمان پیمان امنیت جمعی شامل قره‌باغ نمی‌شود (Welt & Bowen, 2021: 13). این تفسیر عملاً دست جمهوری آذربایجان را برای پیشروی در منطقه قره‌باغ باز گذاشت و این پیام را به باکو منتقل کرد که تا زمان تمرکز حملات بر منطقه قره‌باغ، با واکنش سیاسی و نظامی روسیه مواجه نخواهند شد. برای برخی ناظران، سکوت روسیه نشان‌دهنده یک استراتژی محاسبه‌شده بود. مسکو ممکن است به‌منظور نظم‌بخشیدن به ارمنستان نیکول پاشینیان یا نشان‌دادن ناکارآمدی اعضای یورو - آتلانتیک گروه مینسک، چنین انفعالی نشان داده باشد. این رویکرد را می‌توان بر مبنای سیاست بازدارندگی

محوری روسیه تحلیل کرد که به موجب آن، روسیه به‌عنوان یک «محور» توازن بین ارمنستان و آذربایجان برقرار می‌کند. بازدارندگی محوری، سیاست‌های متعددی را دربرمی‌گیرد که اغلب با هم ناسازگار هستند؛ اتحاد رسمی با ارمنستان، انتقال سلاح به ارمنستان و آذربایجان و تشکیل طرح‌های میانجی‌گری (Broers, 2020). اما بازدارندگی محوری زمانی بهتر عمل می‌کند که بازیگران، گزینه‌های اتحاد جایگزین نداشته باشند. از دیدگاه مسکو، هم‌کاری موازی با آذربایجان و ارمنستان راهی برای تحت کنترل نگه‌داشتن این دو کشور است.

روابط روسیه با ارمنستان

اتحاد استراتژیک روسیه با ارمنستان تأثیر مهمی بر رفتار این کشور در این مناقشه داشته است. این اتحاد به‌اندازه‌ای قوی بوده است که بر منافع متقابل، هم برای ارمنستان و هم برای روسیه، متکی بوده است (Askerov, 2020: 72). ارمنستان عضو سازمان پیمان امنیت جمعی است و در حوزه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی با روسیه قراردادهای دوجانبه دارد. درگیری قره‌باغ نقش مهمی در شکل‌گیری وابستگی استراتژیک ارمنستان به روسیه ایفا کرده است. هر بار که تلاش ارمنستان برای رهایی از سلطه روسیه افزایش می‌یابد، قره‌باغ به‌عنوان ترمز سیاست خارجی عمل می‌کند (Abushov, 2019: 83). با خروج ارتش روسیه از گرجستان، ارمنستان تنها کشور در قفقاز جنوبی بود که به نیروهای روسی اجازه داد تا حضور قانونی طولانی‌مدت خود را حفظ کنند (Kakachia, 2008). پایگاه نظامی روسیه در شهر گیومری ارمنستان، از بزرگ‌ترین پایگاه‌های روسی در خارج از این کشور است. پایگاه نظامی روسیه در گیومری با حدود ۴۵۰۰ نیروی نظامی در سال ۲۰۱۳ با سیستم‌های اسکندر - ام با برد ۲۵۰ مایلی آتش تجهیز شد (Freizer, 2014). پایگاه هوایی روسیه در فرودگاه اربونی در نزدیکی ایروان، واقع در ۲۵ مایلی مرز ترکیه، مجهز به هواپیماهای نظامی مدرن مانند هواپیماهای میگ ۲۹، بالگردهای ترابری و دیگر هواپیماهای جنگی پیشرفته است. این اتحاد به‌اندازه کافی قوی بود که بر منافع متقابل، هم برای ارمنستان و هم روسیه متکی بود (Askerov, 2020: 76). تلاش‌های ارمنستان برای نزدیکی به غرب باعث ایجاد بی‌اعتمادی‌هایی در این شراکت شده است. کرملین به امضای توافق‌نامه مشارکت جامع و گسترده ارمنستان با اتحادیه اروپا و همکاری‌های ایروان با ناتو، نظیر مشارکت جمهوری ارمنستان در تمرین‌های نظامی این سازمان، با دید منفی می‌نگرد.

روابط روسیه با آذربایجان

مسکو سعی دارد قدرت خود را با تأثیرگذاری بر سیاست‌های جمهوری‌های شوروی سابق نشان دهد. مسکو واکنش‌های غرب در اوکراین را آزمایش کرده است و می‌داند که احیای حوزه نفوذ سابق آن، کاملاً امکان‌پذیر است. آذربایجان به خاطر داشتن پتانسیل‌های بالقوه انرژی به دلیل ذخایر نفت و گاز طبیعی و اهمیت ژئواستراتژیک، یکی از اهداف اصلی روسیه است (Askerov, 2015) & Matyok. روسیه در پی کنترل راهروی انرژی موجود در منطقه قفقاز برای به دست آوردن منافع اقتصادی و سیاسی است. طرح‌های انرژی که باکو آن‌ها را تکمیل کرده است یا در حال پی‌گیری است، نه تنها در مسیر شرقی - غربی و به دور از قلمرو روسیه است؛ بلکه بازار هدف آن‌ها نیز همان بازارهای غربی است که مقصد نفت و گاز روسیه است. این طرح‌ها در واقع با دستور کار انرژی روسیه منافات دارند. به این ترتیب عقیم گذاشتن طرح‌های انرژی موردنظر کشورهای غربی و جلوگیری از تعمیق روابط باکو - تفلیس، در راستای منافع روسیه است و به نظر می‌رسد که بهترین ابزار برای انجام این کار، مناقشه قره‌باغ است (ابراهیمی و خیری، ۱۳۹۷: ۲۷۲).

تحلیل سیاست خارجی روسیه در قبال مناقشه ناگورنو - قره‌باغ نشان می‌دهد تغییری در سیاست‌های روسیه نسبت به درگیری رخ داده و روسیه گام‌های مشخصی برای حل و فصل آن برداشته است. این تغییر ناشی از تمرکز قدرت، سازگاری در سیاست خارجی آذربایجان و افزایش قابلیت‌های مادی آن است که اهمیت درگیری را به عنوان یک ابزار سیاسی به حاشیه رانده است (Abushov, 2019: 87). در واقع ترس جمهوری آذربایجان از بازی روسیه با کارت وضعیت سیاسی قره‌باغ موجب شده است که جمهوری آذربایجان، همکاری‌های خود را با روسیه گسترش دهد و تمایلی به حضور نهادهای غربی در جمهوری آذربایجان نداشته باشد. باکو در سال ۲۰۱۳ از امضای قرارداد همکاری با اتحادیه اروپا خودداری کرد که مسکو، آن را یک پروژه رقیب برای ابتکارات اتحاد خود در مناطق شوروی سابق می‌داند (Romashov & Rytövuori-Apunen, 2017: 164). کرملین مصمم است با استفاده از حساسیت جمهوری آذربایجان در رابطه با مسأله قره‌باغ، باکو را در ترتیبات منطقه‌ای با رهبری خود مانند سازمان پیمان امنیت جمعی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا ترغیب کند. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در دیدار با همتای آذربایجانی

خود در ۶ آوریل ۲۰۱۶ بیان کرد: «در سایه مسأله قره‌باغ، پیوستن جمهوری آذربایجان به سازمان‌های تحت رهبری کرملین به سود این کشور خواهد بود» (ابراهیمی و خیری، ۱۳۹۷: ۲۷۱). استراتژی آذربایجان در دهه گذشته از سیاست خارجی متوازن، به انطباق بیشتر منافع سیاسی روسیه در فضای پس از شوروی تغییر کرده است. از نظر داخلی، باکو به دلیل افزایش انتقاد غرب از نقض حقوق بشر در آذربایجان، اعتماد خود را به نهادهای غربی از دست داده است. از طرف دیگر به دلیل افزایش توانایی‌های روسیه و عدم تعهد هیچ قدرت بزرگ دیگری به اتحاد علیه روسیه، توازن، دیگر گزینه‌ای مناسبی در فضای پس از شوروی نیست. از سوی دیگر، رهبران آذربایجان با انتخاب سیاست نزدیکی به روسیه امیدوار بودند که تمرکز قدرت در روسیه، آن‌را به یک بازیگر منسجم و سازگار تبدیل کند که در فرایند صلح قره‌باغ تأثیرگذار باشد (Abushov, 2019: 84). ایجاد روابط حسنه با روسیه، به‌عنوان ابزاری قابل اعتماد برای بازگرداندن قره‌باغ تحت کنترل آذربایجان ارزیابی شد. این امر شامل خرید تسلیحات در مقیاس بزرگ (تا ۵ میلیارد دلار آمریکا) و هم‌چنین راه‌اندازی پروژه‌های اقتصادی مانند کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال - جنوب و ... می‌شود. آذربایجان مطمئن بود که روسیه قدرت نفوذ و نفوذ کافی بر ارمنستان را برای اعمال امتیاز دارد. روسیه با میانجی‌گری قرارداد میان ارمنستان و آذربایجان مخالف نبود که می‌توانست مواضع خود را در هر دو کشور تثبیت کند بنابراین، روسیه در سال ۲۰۱۳ به «طرح لاوروف» رسید. پس از به قدرت‌ترسیدن پاشینیان سال ۲۰۱۸، رهبری جدید ارمنستان طرح لاوروف را رد کرد. از دیدگاه روسیه، این تغییر رژیم نتیجه یک انقلاب رنگی غربی و برای تضعیف نفوذ روسیه در ارمنستان طراحی شده بود. در همین حال، برخی اقدامات آشکار ضدروسی توسط دولت نیکول پاشینیان به‌طور قابل توجهی روابط ارمنستان و روسیه را تضعیف کرده و تعادل پیشین قدرت در منطقه را تغییر داده است (Poghosyan, 2021). پس از امتناع نهایی ارمنستان از پذیرش این طرح در آوریل ۲۰۲۰، با وجود هشدار روسیه مبنی بر اینکه جنگی بزرگ در این مورد در حال وقوع است، به احتمال زیاد روسیه به آذربایجان چراغ سبز نشان داد تا جنگ را با مشارکت فعال ترکیه آغاز و ارمنستان را مجبور به پذیرش طرح لاوروف کند.

نقش ترکیه در مناقشه قره‌باغ

آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ حمایت دیپلماتیک قوی از طرف ترکیه دریافت کرد. اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، اظهار داشت که ملت ترکیه با تمام منابع در کنار آذربایجانی‌ها می‌ایستد و همبستگی خود را تقویت می‌کند. وزیر امور خارجه ترکیه، مولود چاووش اوغلو، اعلام کرد: «ترکیه هم در میدان و هم روی میز در کنار آذربایجان ایستاده است» (Ergun & Valiyev, 2020: 7). اردوغان احتمالاً پیشرفت آذربایجان در ناگورنو - قره‌باغ را فرصتی می‌داند تا وضعیت موجود را تغییر و نفوذ نظامی و سیاسی ترکیه را در قفقاز افزایش دهد. ترکیه و آذربایجان ممکن است به طور مشترک حمله آذربایجان را برنامه‌ریزی کرده باشند تا به کنترل ارمنستان بر ناگورنو - قره‌باغ، که این درگیری را ادامه داد، اعتراض کنند. نیروهای ترکیه و آذربایجان تمرین‌های نظامی مشترک گسترده‌ای را از ۲۹ ژوئیه تا ۱۰ اوت اجرا کردند و نشست‌های دوجانبه سطح بالایی را در ۱۶ ژوئیه و ۱۳ اوت برگزار کردند. اما همکاری نظامی ترکیه - آذربایجان، فروش هواپیماهای بدون سرنشین و بسیج نیروها نشان می‌دهد که آذربایجان با پشتیبانی ترکیه، از حضور ارمنستان در ناگورنو - قره‌باغ پیش از ۲۷ سپتامبر آماده شده است (Clark and Yazici, 2020). چارچوب قانونی مشارکت ترکیه در مناقشه کنونی از طریق توافق‌نامه هم‌کاری استراتژیک و کمک متقابل فراهم شده است که در سال ۲۰۱۰ توسط آنکارا و باکو امضا شد. علاوه بر تمرینات نظامی مشترک، این پیمان تصریح می‌کند که امضاکنندگان، «به هر طریق ممکن در صورت تجاوز یک طرف ثالث» به یکدیگر کمک خواهند کرد. (Isachenko, 2020:2). ترکیه از ابتدای درگیری قره‌باغ در سال ۱۹۹۲، با جانب‌داری از جمهوری آذربایجان، تمامی روابط خود را با ارمنستان قطع کرد. پویایی روابط بین آذربایجان و ترکیه شامل روابط نزدیک قومی و تاریخی، افزایش وابستگی ترکیه به انرژی آذربایجان، روابط دیپلماتیک بلندمدت و هم‌کاری‌های نظامی دوجانبه است. (Clark and Yazici, 2020). آن‌ها شباهت‌های قومی و زبانی را به اشتراک می‌گذارند که رئیس‌جمهور سابق آذربایجان، حیدر علی‌اف، با شعار معروف «یک ملت، دو کشور» بر آن تأکید داشته است (Poghosyan, 2021). از دید رهبران ترکیه تا زمانی که جمهوری آذربایجان در قفقاز ثبات و موقعیت قدرت منطقه‌ای را کسب نکند، افزایش وزن ژئوپلیتیک ترکیه در منطقه ممکن نخواهد بود. از دید آنکارا اشغال بخش‌هایی از جمهوری آذربایجان توسط ارمنستان،

درواقع باخت استراتژیک ترکیه نیز هست (Davutoğlu, 2009: 126). با تکمیل طرح‌های گازی تاپ و تاناب، جایگاه جمهوری آذربایجان در استراتژی انرژی آنکارا برجسته‌تر نیز خواهد شد.

پیامدهای جنگ دوم قره‌باغ

منازعات و درگیری‌ها در هر نقطه‌ای که از جهان رخ دهند، عواقب و پیامدهای گسترده‌ای به همراه دارند. جنگ دوم قره‌باغ نیز با توجه به اینکه منجر به تغییرات ژئوپلیتیکی و سرزمینی گردید، پیامدهای مختلف ژئوپلیتیکی، سیاسی، امنیتی را ایجاد کرد که در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

افزایش حضور و نقش آفرینی روسیه در منطقه

روسیه در مقایسه با آبخازیا، اوستیای جنوبی، کریمه یا شرق اوکراین، نفوذ کمتری در قره‌باغ داشت. این کشور هیچ نیروی حافظ صلح، هیچ اقلیت قومی روسی یا شهروندان پراکنده روسی در قره‌باغ نداشت و هیچ دسترسی مستقیم منطقه‌ای به صحنه درگیری میسر نبود. این موضوعی بود که در مسکو از آن تحت‌عنوان ضعف امنیتی غیرقابل قبول یاد می‌شد (Markedonov, 2017). جنگ تمام‌عیار در قره‌باغ توانست زمینه را برای عملیاتی کردن خواست کرملین در منطقه فراهم نماید. در این حالت روس‌ها می‌توانند به بهانه برقراری صلح در قره‌باغ نظامیان خود را وارد منطقه کنند (trojanovsky, 2020). اینکه روسیه می‌تواند آتش‌بس را اجرا کند و ترکیه و کشورهای غربی را از مذاکرات نهایی دور نگه دارد، نشان می‌دهد که مسکو همچنان قدرت غالب در قفقاز جنوبی است. مسکو هم‌چنین خواهان اعزام حافظان صلح به منطقه (طرح لاوروف) بود؛ اما پیش از این هم ارمنستان و هم آذربایجان پذیرای این ایده نبودند. اکنون روسیه می‌تواند این کار را انجام دهد (Johny, 2020). بر مبنای قرارداد صلح، مسکو با فراهم کردن نیروهای حافظ صلح در قره‌باغ و در طول کوریدور پیشنهادی نخجوان - آذربایجان، نفوذ خود را در منطقه حفظ خواهد کرد (kamat, 2020). هر دو کشور اکنون برای ثبات منطقه‌ای به روسیه وابسته هستند و هرگونه امیدی برای قرارداد صلح چندجانبه که ثبات ارضی پایدار ایجاد و وضعیت قانونی منطقه را حل کند، اکنون از مسکو می‌گذرد نه باکو یا ایروان (Baghdassarian & Pope, 2020). در همین حال، روسیه توانست به هدف استراتژیک خود برای ایجاد یک پایگاه نظامی بالقوه در قره‌باغ دست یابد و بدین ترتیب مواضع خود را در قفقاز جنوبی و به‌ویژه در آذربایجان تقویت کند. در

این شرایط، پایگاه نظامی روسیه که در قره‌باغ تأسیس شده، ممکن است نقش حیاتی در تأمین منافع استراتژیک روسیه در منطقه و ایجاد توازن در نفوذ ترکیه در آذربایجان داشته باشد (Poghosyan, 2021). یکی دیگر از اهداف روسیه در این مناقشه، دادن امتیاز به ترکیه در قفقاز جنوبی بود تا ترکیه را از هم‌گرایی با نهادهای غربی خارج کند (kamat, 2020). مداخله ترکیه در قره‌باغ می‌تواند در واقع «معامله جدیدی» با روسیه پیرامون مشارکت قدرت‌های منطقه‌ای در مخالفت با غرب باشد.

افزایش حضور ترکیه در منطقه

ترکیه، جمهوری آذربایجان را بخش مهمی از عمق استراتژیک خود در کشورهای پیرامونی می‌داند. دو کشور روابط استراتژیک و اقتصادی محکمی داشته و با گذر زمان، بر اهمیت روابط دو کشور افزوده می‌شود (خیری، ۱۳۹۷: ۱۰۷). در جریان جنگ اخیر قره‌باغ مقامات سیاسی ترکیه به شدت از آذربایجان حمایت نظامی و سیاسی کردند؛ این اقدامات در آینده منجر به این خواهد شد که سطح تعاملات و روابط میان ترکیه و آذربایجان عمیق‌تر شود و شاهد حضور چشم‌گیرتر ترکیه در منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز باشیم. بر مبنای قرارداد صلح نوامبر ۲۰۲۰، ترکیه نیروهای خود را در آذربایجان حفظ خواهد کرد و اکنون از طریق کریدور پیشنهادی نخجوان - آذربایجان، مستقیماً به دریای خزر دسترسی پیدا خواهد کرد. این برنامه هم‌چنین می‌تواند مستقیماً بر آسیای میانه تأثیر بگذارد که یکی از اهداف مورد علاقه رجب طیب اردوغان است (kamat, 2020). این امر به‌طور قابل توجهی به تحقق رویاهای ترکیه، برای متحد کردن جهان ترک تحت رهبری آنکارا کمک خواهد کرد و گنجاندن این قرارداد در بیانیه سه‌جانبه ۱۰ نوامبر، برای ایجاد مسیرهای زمینی که نخجوان را در عرض سه سال به آذربایجان متصل می‌کند، پیروزی روشنی برای ترکیه بود (Poghosyan, 2021). هدف آنکارا بیش از هر چیز حضور در تحولات میدانی آتی قفقاز جنوبی و آسیای میانه است و آذربایجان در حکم دروازه ورود آنکارا به این مناطق محسوب می‌شود.

پیامدهای امنیتی برای ایران

جنگ دوم قره‌باغ پیامدهای متضاد امنیتی و سیاسی را برای ایران به بار آورد. به دلیل قراردادن منطقه مورد نزاع در نزدیکی مرزهای ایران، تحولات امنیتی و تغییرات ژئوپلیتیکی، بر وضع امنیتی و منافع ایران اثرگذار بود. ایران با داشتن جمعیت آذری‌زبان در خاک خود، از سرایت جنگ قره‌باغ به درون مرزها و دامن زدن به سیاست‌های قومی از سوی کشورهای منطقه احساس خطر کرده و تمام تلاش خود را به کار بست تا از تشدید جنگ قره‌باغ و سرایت به مرزهای ایران جلوگیری کند. هم‌چنین، بحران قره‌باغ می‌توانست به‌عنوان کانالی برای حضور سیاسی و امنیتی کشورهای فرامنطقه‌ای در معادلات منطقه مورد استفاده قرار گیرد. ایران هر دو کشور آذربایجان و ارمنستان را به‌عنوان حوزه‌های بالقوه نفوذ تلقی می‌کند و جانب‌داری از یک طرف، می‌تواند منجر به کاهش نقش منطقه‌ای ایران شده و دیگری را به‌دنبال اتحاد با کشورهای پیرامون علیه ایران سوق خواهد داد (Mahmudlu & Abilov, 2018: 43). بنابراین، جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده است تا از گسترش ناامنی‌ها در منطقه جلوگیری کرده و ضمن داشتن روابط مبتنی بر حسن همجواری با کشورهای منطقه، مانع از مداخلات غیرمسئولانه بازیگران بیرونی در تحولات منطقه به‌ویژه بحران قره‌باغ شود (زهرانی و فرجی لوحه‌سرا، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در همین راستا در بحران اخیر، نمایندگان ولی فقیه در چهار استان آذربایجان غربی، اردبیل، آذربایجان شرقی و زنجان، دیپلماسی فعالانه‌ای در مدیریت احساسات قومی و هویتی در داخل کشور برعهده گرفتند و طی بیانیه‌ای، بر تعلق قره‌باغ به آذربایجان و لزوم بازگشت این اراضی به آذربایجان تأکید کردند. مقام معظم رهبری در سخنرانی زنده تلویزیونی خود در روز ۱۳ آبان با تأکید بر اینکه این موضوع حادثه‌ای تلخ و تهدیدکننده امنیت منطقه است اظهار داشتند: «این درگیری نظامی باید هرچه زودتر تمام شود؛ البته همه سرزمین‌های جمهوری آذربایجان که به‌وسیله ارمنستان تصرف شده باید آزاد شود و به آذربایجان برگردد». ایشان هم‌چنین بر لزوم حفظ امنیت ارامنه در این سرزمین‌ها و رعایت مرزهای بین‌المللی از جانب دو طرف تأکید کردند (برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۸/۱۳).

در طول این سال‌ها تهدیدهای مرزی ایران عمدتاً متوجه افغانستان و پاکستان در شرق و عراق در غرب بود؛ اما در جنگ اخیر، نوار مرزی شمال غربی کشور به‌طور مستقیم تحت تأثیر جنگ

قره‌باغ قرار گرفت، به طوری که روستاهای خداآفرین و اصلان‌دوز با اصابت تعداد زیادی راکت، خمپاره و سقوط پهپاد مواجه شد و امنیت روحی و روانی شهروندان مناطق مرزی ایران تحت تأثیر قرار گرفت. برای اولین بار بعد از جنگ اول قره‌باغ در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، نیروهای مسلح ایران در منطقه به حالت آماده‌باش کامل درآمدند و یگان‌هایی از ارتش و سپاه به منطقه اعزام شدند که سابقه چنین حجمی از نیروها در شمال غرب کشور بعد از جنگ اول قره‌باغ وجود نداشت (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۹). گشوده شدن یک جبهه جدید از ناامنی و تهدید در مناطق پیرامونی ایران در منطقه استراتژیک قفقاز، می‌تواند تهدید جدی علیه منافع و امنیت ملی ج.ا. ایران باشد. تهدیدهای این مناقشه برای ایران، گذشته از تأثیرات مخرب جنگ و تحریک احساس‌های قومیتی، خطر حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی است.

کنار گذاشتن ایران از فرایند صلح قره‌باغ

در دوره اول جنگ قره‌باغ، ایران برای کنترل بحران از راه میانجی‌گری تلاش‌های زیادی کرد، به گونه‌ای که علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت و محمود واعظی، معاون وقت وزیر امور خارجه ایران، به صورت مداوم در حال سفر به باکو و ایروان برای رایزنی و نزدیک کردن مواضع دو طرف به یکدیگر بودند. سرانجام پس از رایزنی‌ها و مذاکرات متعدد، «بیانیه تهران» در ۷ می ۱۹۹۲ امضا شد؛ اما با پیشروی‌های ارمنستان در قره‌باغ و اشغال شوشا، عملاً این سیاست ناکام ماند. ناکامی ایران در روند میانجی‌گری در مناقشه قره‌باغ و نیز کنار گذاشتن ایران از ترکیب گروه مینسک موجب شد عملاً سیاست خارجی ایران در قبال مناقشه قره‌باغ در وضعیت حاشیه‌ای و انفعالی قرار بگیرد. در جریان جنگ دوم قره‌باغ، سیاست خارجی ایران عملاً از همان موضع‌گیری سنتی و قبلی خود فراتر نرفت، به طوری که در فرایند آتش‌بس این جنگ، نه تنها ایران بلکه گروه مینسک نیز کنار گذاشته شدند. روس‌ها با کنار گذاشتن ایران، ترکیه و دو عضو دیگر گروه مینسک (فرانسه و آمریکا)، محوریت موافقت‌نامه آتش‌بس در قره‌باغ را در اختیار گرفتند. از طرف دیگر نماینده‌های نیروی مسلح ایران در مرکز نظارت بر آتش‌بس در آغدام حضور ندارند. ترکیه با مذاکرات متعدد و فشرده با روس‌ها بعد از توافق‌نامه آتش‌بس، توانست مجوز حضور در منطقه را بگیرد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۹).

کریدور ارتباطی نخجوان - جمهوری آذربایجان

موافقت‌نامه ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ به آذربایجان امکان می‌دهد در مناطق جنوبی ارمنستان به‌منظور اتصال زمینی نخجوان به خاک آذربایجان، یک کریدور به عرض پنج کیلومتر در کنار مرز ایران از شهر مِقری ارمنستان در اختیار بگیرد؛ با این توضیح که این کریدور در مالکیت ارمنستان باقی می‌ماند و ۱۹۶۰ نیروی واحد نظامی «کنترل خدمات مرزی روسیه» (F.S.B) به مدت پنج سال بر آن کنترل و نظارت خواهند داشت. این موضوع نگرانی‌ها و ابهامات زیادی را در ایران به‌وجود آورده است که این کریدور، مرز کوچک ۳۸ یا ۴۲ کیلومتری ایران با ارمنستان را تهدید کند و باعث انسداد این مرز یا چالش و تهدید مسیر ترانزیتی ایران با ارمنستان شود. از طرف دیگر استفاده نظامی از این مسیر هم می‌تواند تهدیداتی را برای ایران به‌وجود بیاورد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۹). با ایجاد کریدور، ارتباط خاک آذربایجان با منطقه نخجوان که پیشتر بخش جداشده این کشور بود، برقرار خواهد شد. این مقوله نیاز آذربایجان به کریدورهای ارتباطی پیشین را که از خاک ایران باعث ارتباط این دو بخش می‌شد، از بین می‌برد و این امر، می‌تواند نقش ترانزیتی ایران در این منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. البته در مورد این کریدور در موافقت‌نامه آتش‌بس به‌صورت کلی بحث شده است و ابهام زیادی در مورد آن وجود دارد. بایستی دید با توجه به پیچیدگی روابط دو کشور آذربایجان و ارمنستان، آیا این کریدور ارتباطی می‌تواند جنبه عملیاتی به خود بگیرد یا خیر.

افزایش فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در منطقه

با توجه به اینکه یکی از عوامل موفقیت آذربایجان در جنگ اخیر، تجهیز ارتش این کشور با پهپادها و تسلیحات کشورهایی مثل ترکیه و رژیم صهیونیستی بوده است؛ لذا بعد از این دوره، حضور و نفوذ این بازیگران در آذربایجان افزایش خواهد یافت. در راهبرد اتحاد پیرامونی جدید رژیم صهیونیستی با توجه به دگرگونی ژئوپلیتیک منطقه پس از جنگ سرد، آغاز فرایند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، تداوم سیاست ضد رژیم صهیونیستی ایران و تبدیل شدن آن به مهم‌ترین تهدید رژیم صهیونیستی، مکان جغرافیایی پیرامون از حاشیه دولت‌های عربی به مناطق هم‌جوار ایران تغییر یافته و حضور و نفوذ در نزدیکی مرزهای ایران و محاصره آن - به‌جای اعراب - در دستور کار سیاست خارجی رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. رژیم صهیونیستی، جمهوری

آذربایجان را به‌عنوان نقطه عزیمت راهبرد «اتحاد پیرامونی جدید» خود قرار داده است (رفعت‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۳). گفته می‌شود که اساس مشارکت آذربایجان و اسرائیل، «منافع استراتژیک مشترک» در مهار نفوذ ایران در منطقه است (Göksel, 2015: 662). صنایع نظامی اسرائیل، یکی از تأمین‌کنندگان مهم هواپیماهای پیشرفته، توپخانه ضدتانک و سیستم‌های تسلیحات ضدنفر برای جمهوری آذربایجان هستند. اسرائیل در فوریه ۲۰۱۲، قرارداد فروش هواپیماهای نظامی بدون سرنشین و سیستم‌های دفاع موشکی و ضدهوایی را به جمهوری آذربایجان به ارزش تقریبی ۱/۶ میلیارد دلار تأیید کرد (Souleimanov et al, 2014: 480). از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵، اسرائیل حدود ۴ میلیارد دلار سلاح به آذربایجان فروخته است. در واقع، آذربایجان از طریق روابط نزدیک خود با اسرائیل، سطحی از دسترسی به سلاح‌های مدرن موردنیاز برای توسعه قابلیت‌های نظامی خود را دریافت می‌کند که به دلیل محدودیت‌های مختلف قانونی و سیاسی، نمی‌تواند از آمریکا و اروپا به دست آورد (Grebennikov, 2015: 430). اسرائیل بزرگ‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات آذربایجان و آذربایجان یکی از تأمین‌کنندگان حیاتی نفت برای اسرائیل از طریق خط لوله در ترکیه است. آذربایجان ۴۰ درصد نفت خود را به اسرائیل صادر می‌کند (Coffey, 2020; 6). مداخله در امور داخلی ایران، تلاش برای مهار جمهوری اسلامی و ایجاد تهدیدات امنیتی در داخل ایران، هدف دیگر رژیم صهیونیستی از حمایت جمهوری آذربایجان بوده است. گسترش مرز آذربایجان با ایران، امکان دسترسی به سرزمین‌های بیشتری را برای تأثیرگذاری در قفقاز جنوبی به اسرائیل می‌دهد.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی وضعیت سیاسی نظامی جنگ دوم قره‌باغ و نقش بازیگران منطقه‌ای از جمله روسیه و ترکیه در این جنگ بوده است. این پژوهش علت اصلی جنگ را در دو دسته داخلی و خارجی بررسی کرد. در جنبه داخلی، وضعیت سیاسی و اقتصادی متفاوت دو کشور ارمنستان و آذربایجان تأثیرگذار بوده است و در جنبه خارجی، به نقش روسیه و ترکیه در شروع جنگ اشاره شد. رقابت‌های ژئوپلیتیک بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کنار مواضع انعطاف‌ناپذیر طرفین درگیری، باعث تعمیق بحران شده است. نتایج نشان داد که آذربایجان از

مدت‌ها قبل با تجهیز نظامی، خود را برای جنگ آماده کرده بود و کلید پیروزی این کشور در این جنگ، انفعال سیاسی روسیه و اتکا به هواپیماهای بدون سرنشین خریداری شده از ترکیه و اسرائیل بوده است. برای ارمنستان می‌توان گفت عدم درک فضای بین‌المللی، عدم مداخله روسیه در جنگ، نقش ترکیه در این درگیری و نیز پویایی‌های داخلی آذربایجان از جمله تجهیز ارتش جمهوری آذربایجان به سیستم‌های موشکی و پهپادی و ضعف سامانه‌های دفاع ضد موشکی ارمنستان، عوامل تأثیرگذار بر شکست ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ بودند. روسیه و ترکیه نقش تأثیرگذاری در این بحران داشته‌اند. به نظر می‌رسد که طی سالیان اخیر، با توجه به خلأ ایجاد شده ناشی از خروج آمریکا از تعهدات امنیتی در منطقه قفقاز جنوبی، سیاست منطقه‌ای ترکیه و روسیه به هم نزدیک شده است. این هم‌گرایی را می‌توان در سوریه و لیبی هم مشاهده کرد. ویژگی اصلی این هم‌گرایی، همکاری دوجانبه بدون کشورهای غربی است. به نوعی می‌توان گفت بحران قره‌باغ هم بایستی در این چارچوب ارزیابی شود. این جنگ پیامدهای متفاوت سیاسی، امنیتی و اقتصادی بر منطقه داشته است؛ روسیه از طریق جنگ دوم قره‌باغ توانست نظامیان خود را وارد منطقه نماید و نقش تأثیرگذار روسیه در مدیریت جنگ و توافق صلح را نشان داد که مسکو، هم‌چنان قدرت غالب در قفقاز جنوبی است. پیامد این جنگ بر ترکیه نفوذ بیشتر این کشور بر آذربایجان، تحقق دسترسی به دریای خزر و تأثیرگذاری بر آسیای مرکزی می‌باشد. نتایج این جنگ برای ایران پیامدهایی مانند افزایش فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در منطقه، پیامدهای ناشی از کریدور ارتباطی نخجوان - جمهوری آذربایجان و تهدیدات امنیتی و قومیتی ناشی از جنگ قره‌باغ بوده است.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرزاد؛ خیری، مصطفی (۱۳۹۷)، تحلیل منافع روسیه در منطقه قفقاز (مطالعه موردی: بحران قره‌باغ)، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۱، شماره ۲.
- خیری، مصطفی (۱۳۹۷)، روسیه و مناقشه قره‌باغ، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰، کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۹)، تأملی بر رویکرد نیکول پاشینیان در قبال مناقشه ناگورنو - قره‌باغ، سایت ایراس، ۱۹ آذر ۱۳۹۹.
- محموداوغلی، رضا؛ رستمی، محمدرضا (۱۳۹۷)، تهدیدات امنیتی روابط روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی، سیاست دفاعی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۳.
- ولیعلی‌زاده، علی؛ امدی‌پور، زهرا؛ حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل راهبردی بنیان‌های جغرافیایی بحران‌های ژئوپلیتیکی (با تأکید بر بحران قره‌باغ)، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۱، شماره ۸۲.
- Abushov, Kavus (2019) Russian foreign policy towards the Nagorno-Karabakh conflict: prudent geopolitics, incapacity or identity? *East European Politics*, 35:1, 72-92, DOI: 10.1080/21599165.2019.1579711
- Ali Baig, Muhammad (2020). The Defence Needs of Azerbaijani Armed Forces for Peace, Security, and Stability, *Open Military Studies* 2020; 1: 79–87.
- Askerov, A. & Matyok, T. (2015). The Upper Karabakh predicament from the UN resolutions to the mediated negotiations: Resolution or hibernation? *European Journal of Interdisciplinary Studies*, Vol. 2, Issue 1, pp. 154–64.
- Askerov, Ali (2020). The Nagorno Karabakh Conflict The Beginning of the Soviet End, EBSCOhost.
- Baghdassarian Anoush, Pope Cameron(2020). Why the Nagorno-Karabakh Cease-Fire Won t End the Conflict, Wednesday, November 25, 2020, PMhttps://www.lawfareblog.com.
- Boyajian, D. (2019). Why Russia needs Armenia and vice versa. *The Armenian Weekly*, https://armenianweekly.com/2019/02/05/why-russia-needs -armenia-and-vice versa/.
- Broers, Laurence (2015) From “frozen conflict” to enduring rivalry: reassessing the Nagorny Karabakh conflict, *Nationalities Papers*, 43:4, 556-576, DOI:10.1080/00905992.2015.1042852
- Clark, Mason and Ezgi Yazici(2020). Erdogan Seeks to Upend Kremlin-Backed Status Quo in Nagorno-KarabakhAuthor(s), Institute for the Study of War, Stable URL: https://www.jstor.org/stable/resrep26446.
- Coffey Luke (2020). Azerbaijan and Armenia: A Regional Conflict with Global Implications, *BACKGROUND*, No. 3542.
- Cornell, Svante (2020). How Did Armenia So Badly Miscalculate Its War with Azerbaijan?, *The National Interest*, https://jinsa.org.
- Davutoğlu, Ahmet (2009), *Stratejik Derinlik*, Küre Yayınları, İstanbul.
- Ergun Ayça & Valiyev Anar(2020). An Account on Karabakh War: Why Now and Then What?, *Panorama Portal*, DOI: https://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.30777.60006.
- Freizer, S. (2014). Twenty years after the Nagorny Karabakh ceasefire: an opportunity to move towards more inclusive conflict resolution; *Caucasus Survey*, Vol. 1, No. 2, pp. 109–22.

- Johnson, D. D., & Thayer, B. A. (2016). The evolution of offensive realism: Survival under anarchy from the Pleistocene to the present. *Politics and the life sciences*, 35(1), 1-26.
- Garagozov, Rauf (2013) Implicit measures of attitude change via narrative intervention in the Karabakh conflict, *Dynamics of Asymmetric Conflict*, 6:1-3, 98-109, DOI: 10.1080/17467586.2013.861919
- German, Tracey (2012) The Nagorno-Karabakh Conflict between Azerbaijan and Armenia: Security Issues in the Caucasus, *Journal of Muslim Minority Affairs*, 32:2, 216-229, DOI: 10.1080/13602004.2012.694666.
- Hartrick Adrian (2020). "Karabakh's Latest Cycle of Displacement," *Eurasianet*, November 14, 2020.
- Idan, A. and B. Shaffer. 2011. The foreign policies of post-soviet landlocked states. *Post-Soviet Affairs* 27, no. 3: 241–68. doi:10.2747/1060-586X.27.3.241. Explained | Who won the war over Nagorno-Karabakh?
- Isachenko Daria (2020). Turkey–Russia Partnership in the War over Nagorno-Karabakh, *SWP Comment*, NO.53.
- Iskandaryan Alexander (2020). The Second Karabakh War, or The First Post- Soviet War, *Institute for Security Policy (ISP)*.
- Kakachia, K. (2008). An end to Russian military bases in Georgia? The implications of past withdrawals *PONARS. Eurasia Policy Memo* No. 24.
- Kubicek Paul (2020): Strictly Pragmatism? Prospects for a Russian-Turkish Partnership, *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, DOI: 10.1080/19448953.2020.1867810.
- Mahmudlu, Ceyhun & Shamkhal Abilov (2018) The peace-making process in the Nagorno-Karabakh conflict: why did Iran fail in its mediation effort?, *Journal of Contemporary Central and Eastern Europe*, 26:1, 33-49, DOI: 10.1080/25739638.2017.1404259.
- Markedonov, Sergei (2017), "A Post-Soviet Anomaly: How Karabakh Could Bring Russia and the West Together", *Carnegie Center*.
- Mearsheimer, J., (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: W.W. Norton
- Minasyan, Sergey (2017) The Nagorno-Karabakh conflict in the context of South Caucasus regional security issues: An Armenian perspective, *Nationalities Papers*, 45: 1,131-139, DOI: 10.1080/00905992.2016.1237938
- Özkan, Behlül (2008) Who Gains from the "No War No Peace" Situation? A Critical Analysis of the Nagorno-Karabakh Conflict, *Geopolitics*, 13:3, 572-599, DOI: 10.1080/14702600802203919/10.1080
- Poghosyan, Benyamin (2021). Russia and Turkey role in the Karabakh conflict, *forum Einiges Europa*.
- Romashov, Vadim & Helena Rytövuori-Apunen (2017) Russia's Karabakh policy: new momentum in regional perspective, *Caucasus Survey*, 5:2, 160-176, DOI: 10.1080/23761199.2016.1231491.
- Rubin, Uzi (2020). The Second Nagorno-Karabakh War: A Milestone in Military Affairs, *Mideast Security and Policy Studies* No. 184.
- Shafiyev Farid and Vasif Huseynov (2020). Peace Negotiations Cannot Be Held Forever: Breaking the Deadlock in the Armenia-Azerbaijan Conflict, *Insight Turkey*, FALL 2020, Vol. 22, No. 4 (FALL 2020), pp. 99-111.
- Shaikh, Shaan & Rumbaugh, Wes (2020). The Air and Missile War in Nagorno-Karabakh: Lessons for the Future of Strike and Defense, <https://www.csis.org> Gurbanov, Ilgar (2017), "Interaction with Turkish Air Forces Boosts
- Siroky, David S. & Mahmudlu, Ceyhun (2016) E Pluribus Unum?, *Problems of Post-Communism*, 63:2, 94-107, DOI: 10.1080/10758216.2015.1082124.

- Spina, Nicholas (2018) Threats to national security and public support for integration: the case of Armenia and Nagorno-Karabakh, *Caucasus Survey*, 6:3, 230-251, DOI: ۲۳۷۶۱۱۹۹,۲۰۱۸,۱۵۰۱۸۹۲/۱۰,۱۰۸۰.
- Sukiasyan Narek (2021). Appeasement and Autonomy Armenian-Russian relations from revolution to war, European Union Institute for Security Studies, <https://www.jstor.org/stable/resrep28789>.
- Tang, Shiping (2011) A Theory of Security Strategy for our Time, www.palgraveconnect.com, licenced to foundation national des politiopues-palgrave connect-2011. pp. 179-183
- Tchantouridzé, L. (2018). Contemporary Russo-Turkish relations: From crisis to cooperation. In A. Askerov (eds.), *Contemporary Russo-Turkish relations: From crisis to cooperation*. Lanham, MD: Lexington Books.
- Tokluoglu Ceylan (2011) The Political Discourse of the Azerbaijani Elite on the Nagorno-Karabakh Conflict (1991–2009), *Europe-Asia Studies*, 63:7, 1223-1252, DOI: 10.1080/09668136.2011.592272
- Valiyev, A. 2010. Finlandization or strategy of keeping the balance? Azerbaijan's foreign policy since the Russian-Georgian war. PONARS Eurasia Policy Memo 112. https://www2.gwu.edu/~ieresgwu/assets/docs/pepm_112.pdf.
- Walt, Stephen. (1987). *The Origins of Alliances*, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Welt Cory & Andrew S. Bowen (2021). *Azerbaijan and Armenia: The Nagorno-Karabakh Conflict*, Congressional Research Service.

